

پاسداران در مقابل دشمنان
کوتاه نمی آیند

صادق

هفته نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و سوم | شماره ۱۱۷۹ | دوشنبه ۶ اسفند ۱۴۰۳ | ۲۵ شعبان ۱۴۴۶ | ۲۴ فوریه ۲۰۲۵ | ۱۶ صفحه

۲
سرمقاله

دکتر بدالله جوانی

۲
نگاه

حنیف غفاری

۱۲
خرد

محمد رضا ملایی



راز دشمنی با ایرانی ها چیست؟ پارادوکس خود ساخته گروسی! معنای انقلابی گری

تشییع تاریخی سید حسن نصرالله، جلوه پر شکوه پیروزی مقاومت

یوم النصر

است که رهبری امام خامنه‌ای، رنج و محنت های فقدان سید حسن نصرالله را به طور اساسی فرو کاسته است. این است رمز و راز پایداری و پیروزی حزب الله قهرمان در مصاف با رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آن. نظام و سازمان اعتقادی و سیاسی حزب الله و محبوبیت آن در میان آحاد مردم لبنان، این پدیده استثنائی مقاومت را درخشان تر از پیش ماندگار خواهد کرد.

نقش یک پیشران بسیار قوی در سطح منطقه و در تقویت جبهه مقاومت پدیدار خواهد شد. در این زمینه با در نظر گرفتن جنگ اخیر باید گفت، حزب الله لبنان برای مقابله با تیرد زمینی رژیم صهیونی چند خط دفاعی تعریف کرده بود، که اگر خط اول سقوط کرد، خطوط بعدی وارد کارزار شوند؛ اما شگفتی بزرگ سازمانی که سید حسن نصرالله ساخته بود و مردانی که پرورش داده بود، سبب شد تا روز پایان جنگ در جنوب لبنان همچنان خط اول مقاومت کند. بارها رزمندگان حزب الله گفتند که غم شهادت دبیر کل حزب الله لبنان التیام ناپذیر است، اما شهید نصرالله مکرر به ما سفارش می کرد، که از علاقه و پابندی شما به من و سازمان حزب الله آگاه هستم، اما من خودم را در تابعیت امام خامنه‌ای و مقید به علاقه ایشان می دانم. بر همین مبنا باور رزمندگان حزب الله این

«سید عزیز مقاومت پاداش ده سال جهاد فی سبیل الله و دشواری های آن را در خلال یک پیکار مقدس دریافت کرد. فیض شهادت پس از این همه مجاهدت حق مسلم او بود.» از این نظر باید توجه داشت راه و مسیری که نصرالله بزرگ برگزیده بود، از ابتدا برای نیل به چنین آرزویی بود و وی بارها از خداوند خواسته بود، او را به هم‌زمان شهیدش برساند. بخش امیدوارکننده و مقتدرانه دیگری از پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی که اکنون آثار آن کاملاً هویداست، تأکید بر تداوم مضاعف انگیزه‌ها و حرکت مقاومت در لبنان است. معظم له فرمودند: «جنايتكاران صهيونيست بداند كه بسيار كوچك تر از آنند كه به ساخت مستحکم حزب الله لبنان صدمه مهمی وارد کنند. همه نیروی مقاومت منطقه در کنار حزب الله و پشتیبان آن است.» بسیار روشن است که خون مطهر سید حسن نصرالله و شهادت ایشان در

عزیز غضنفری



عضو شورای سیاست گذاری صبح صادق

یکی از مهم ترین رویدادهای جنگ اخیر، خبر شهادت سید مقاومت «سید حسن نصرالله» بود؛ اما شهادت سید مقاومت و تشییع باشکوه ایشان به یقین مبدأ تحولات تازه و تعیین کننده‌ای در محیط منطقه‌ای خواهد بود. بنابراین، تقسیم تحولات و روندهای سیاسی منطقه به پیش و پس از شهادت و تشییع سید حسن نصرالله، تعبیر درست و واقع بینانه‌ای است.

مرگ عادی شخصیت‌هایی، چون سید حسن نصرالله پاداش یک عمر مجاهدت‌های آنان نیست. به همین دلیل امام خامنه‌ای در پیام خود به مناسبت شهادت سید مقاومت فرمودند:



نیم نگاه

منشور روحانیت؛
عهدنامه علم و مقاومت

مهدي عامري

کارشناس علوم اسلامی



در عصری که صف‌آرایی حق و باطل، جهان را به میدان نبردی نابرابر تبدیل کرده است، بازخوانی «منشور روحانیت» حضرت امام خمینی (ره) نه تنها یادآور تجلیل از حوزه و روحانیت است، بلکه بیان‌کننده ریشه‌های اصیل مبارزه و مشعلی فراروی نسل امروز برای ادامه مسیر شهادت، مقاومت و ایستادگی در برابر استکبار جهانی است. این منشور سنند زنده از تاریخ پر فروغ روحانیت شیعه است که با خون شهیدان و عزم مجاهدان، صفحات آن رقم خورده است.

امام خمینی (ره) در ترسیم خطوط این منشور، فقه را نه متنی منجمد در صفحات کتب که «سلاحی عملیاتی» در برابر نظام سلطه معرفی می‌کنند. ایشان با نگاهی ژرف به مسئله زمان و مقتضیات عصر، هشدار می‌دهند که اگر فقه از میدان عمل به حاشیه کتابخانه‌ها رانده شود، نه تنها دشمنان را به هراس نمی‌اندازد و ضرری به آنان نمی‌زند، که آب به آسیاب استکبار می‌ریزد. فقه امام خمینی (ره)، فقهی پویا و انقلابی است که در میدان جهاد، سیاست و اجتماع، پرچمدار مبارزه با طاغوت‌ها و طاغوت‌چهاست.

از بخش‌های درخشان منشور روحانیت، تأکید بر «مبارزه مقدس» و ضرورت صدور انقلاب اسلامی به فراسوی مرزهاست. امام (ره) با درک عمیق از توطئه‌های استکبار، جنگ تحمیلی را فرصتی برای شکوفایی توانمندی‌های امت اسلام و افشای چهره کره جهانخواران می‌دانستند. امروز نیز تقابل تاریخی «اسلام ناب محمدی» با «اسلام آمریکایی»، نماد مبارزه بی‌امان با سازش‌کاری‌ها و ذلت‌پذیری در برابر زورگویان است. این منشور، رمز میان حق و باطل را با خون شهادت‌رسم می‌کند.

امام راحل (ره) در این منشور، با شجاعتی کم نظیر، جریان «تحریرگری» را مانعی در مسیر مبارزه معرفی می‌کنند. این جریان به ظاهر مذهبی، با ترویج جمود فکری، توجیه سکوت در برابر ستم و انحراف از گفتمان انقلابی، همواره در مسیر دشمن حرکت کرده است. تاریخ گواهی می‌دهد که این گروه‌ها با تمسک به فرانت‌های خشک و بی‌مایه، نه تنها مشروعیت نظام‌های طاغوتی را تقویت کرده‌اند، که راه نفوذ استعمار را هموار کرده و در لباس دوست سنگر دشمن بوده‌اند.

امروز تجلی عینی منشور روحانیت را در شخصیت‌هایی، چون شهید سیدحسین نصرالله می‌توان دید؛ عالم فاضلی که با تلفیق دانش دینی و مردم‌داری، سنگر مقاومت را در برابر صهیونیسم جهانی به میدانی شکست‌ناپذیر تبدیل کرد. نصرالله‌ها نماد روحانیونی هستند که در برج عاج تحجر و اشرافیت می‌نشینند، نه در برابر امواج فتنه خم می‌شوند. آنها با الهام از مکتب امام خمینی (ره)، فقه را به سلاحی در دست‌ان مظالم‌ان تبدیل کرده و به تعبیر امام به مهمانی عرشیان رفته‌اند. تشیع با شکوه سید مقاومت، با وجود کارشکنی‌های فراوان دشمنان، نشان داد این تفکر و این سلک روحانیت همچنان در دل‌های مردم جای دارد.

منشور روحانیت، تنها بیانیه‌ای تاریخی نیست؛ بلکه نقشه راهی است برای عبور از پیچیدگی‌های جهان امروز. پیام خط به خط این متن ارزشمند این است که روحانیت راستین، همواره در خط مقدم نبرد با استکبار ایستاده است. و این رسالت امروز بر عهده نسل‌نو انقلابی است.

«وَأَنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا»

راز دشمنی با ایرانی‌ها چیست؟

ماهیت کاملاً مردمی نظام جمهوری اسلامی و دلایل دیگر، یک وجب از خاک ایران جدا نشد. دشمنی‌های دشمنان کشور و ملت ایران، اکنون به دلیل پیشرفت‌ها و قدرت‌یابی ایرانیان در حوزه‌های گوناگون، به مراتب بیشتر از گذشته شده است. در اینجا باید به یک پرسش اساسی پاسخ داد و آن اینکه، راز دشمنی‌ها با ایرانیان چیست؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت، راز دشمنی‌ها از یک‌سو به گذشته تمدنی ایرانی‌ها و از سوی دیگر به خلق و خوی استکباری قدرت‌های غربی برمی‌گردد. به دلایل تاریخی و از جمله استعداد و قابلیت‌های پیشرفت و تمدن‌سازی ایرانی‌ها، در دوپست سال گذشته کشور ایران همواره در معرض تهاجم قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر غربی بوده است. مردم ما به‌ویژه جوانان ایران زمین، باید به این نکته راهبردی توجه داشته باشند که دشمنی غربی‌ها و در رأس آن‌ها انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها با جمهوری اسلامی صرفاً نظام دینی نیست. آنان دشمن یک ایران قوی، مستقل و با مردمانی عزتمند و همواره در حال پیشرفت هستند. بر همین اساس، قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر از زمان قاجار به بعد، چهار سیاست و راهبرد

دکتر یدالله جوانی

مدیر مسئول



هر ملت و کشور مستقلی برای تأمین منافع ملی و امنیت خود، باید هم تهدیدهای علیه منافع و امنیتش را بشناسد و هم با تولید قدرت و ایجاد آمادگی‌های لازم در خود، بهنگام با هر نوع تهدیدی برخورد مناسب را داشته باشد. کشور و ملت ایران در طول ۲۰۰ سال گذشته، همواره با انواع تهدیدها از سوی قدرت‌های جهانی مواجه بوده و در مقاطعی به دلیل برخوردار نبودن از مجموعه شرایط لازم برای دفاع، آسیب‌های جدی دیده است. برای نمونه، به دلیل بی‌کفایتی حاکمان، در دوران قاجار با جنگ و در دوران رژیم دست‌نشانده پهلوی از سوی بیگانه بدون جنگ، حدود یک میلیون کیلومتر مربع از سرزمین پهناور ایران جدا شده است؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به تشدید دشمنی‌ها علیه ملت و کشور از یک‌سو و ازاده قدرت‌های جهانی برای تجزیه و کوچک‌تر کردن ایران از طریق جنگ از دیگر سو، با توجه به

کوچک‌سازی ایران، تضعیف ایران، جلوگیری از پیشرفت و در نهایت نابودی هویت ملی و اسلامی ایرانیان را دنبال کرده‌اند. تلاش رضاخان دست‌نشانده انگلیسی‌ها برای ایجاد تغییر در هویت فرهنگی ایرانی‌ها را، باید در واقع پیاده‌سازی راهبرد غرب با هدف نابودی هویت یک ملت با قدمت تاریخی و برخوردار از پیشینه تمدنی دانست. وقتی رضاخان با صراحت می‌گوید، ایرانی‌ها سیر تا و صورتاً باید غربی شوند، این نگاه هدفی جز نابودی هویت ملت بزرگ ایران را با خواست غربی‌ها دنبال نمی‌کند. بسیار روشن است که غرب با کمک رژیم فاسد، دیکتاتور و کاملاً وابسته پهلوی، ایران را در مسیر یک انحطاط هویتی و سرزمینی قرار داده بود. کار بزرگ حضرت امام خمینی (ره) با انقلاب اسلامی، نجات کشور ایران و ایرانیان از این مسیر نابودی و انحطاط بود. انقلاب اسلامی نه تنها به این دوران انحطاط و تحقیر پایان داد، بلکه ایران را با حاکمیت ملی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی با محوریت ولایت فقیه، در مسیر پیشرفت و تمدن‌سازی قرار داد. غرب اکنون نگران این است که ملت ایران با تبدیل شدن به یک الگوی موفق در مسیر پیشرفت با وجود تحریم‌ها، توطئه‌ها و تهدیدهای گوناگون در یک جنگ تمام عیار ترکیبی، بتواند به کمک

مقاومت و ظرفیت‌های بی‌نظیر جهان اسلام، به دوران سلطه غربی‌ها پایان دهد. در چنین شرایطی، مردم ایران باید با شناخت درست تهدیدها و خنثی‌سازی آن، نقشه دشمنان را خنثی کنند. رهبر حکیم انقلاب اسلامی همواره ملت ایران را نسبت به توطئه‌های دشمنان خارجی و دنباله‌های داخلی آنان آگاه کرده، راه مقابله با دشمنی‌ها را هم تبیین و تشریح کرده‌اند. در همین راستا، معظم‌له در دیدار با مردم آذربایجان، با اشاره و تأکید بر استمرار دشمنی‌های آمریکا و متحدانش علیه ملت ایران در وضعیت فعلی، توان دفاعی کشور را در مقابل تهدیدهای سخت، عالی خواندند و گفتند: «دوستان و دشمنان ما هم، این واقعیت را می‌دانند و ملت هم از این لحاظ احساس امنیت می‌کند.»

رهبر معظم انقلاب اسلامی با تشریح دشمنی‌ها، تهدید امروز را تهدید نرم‌افزاری دانسته، همگان را به مقابله با این تهدید فراخواندند. تهدید نرم دشمن، یک تهدید شناختی با هدف دست‌کاری در اعتقادات، باورها و ارزش‌های ملت ایران است. در چنین وضعیتی، باید در مقابل جنگ ترکیبی دشمن، به جهاد ترکیبی همت گماشت و در این مهم، بر جهاد تبیین تمرکز راهبردی داشت.

پارادوکس خودساخته گروسی!

توافقات بین‌المللی به سرر فعالیت‌های هسته‌ای ایران، به ویژه دو سند برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد را نادیده گرفته، بلکه بر روی هدف خطرناک اعتمادسازی یکطرفه ایران متمرکز شده است. طرح مکرر موضوع همکاری‌های فرآبادمانی و فرآناظری آژانس بر فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان، در همین راستا صورت می‌گیرد: جایی که عملاً گروسی ایران را به اجرای یکطرفه تعهدات برجام در مقابل «هیچ» دعوت کرده و حتی در این مسیر توافق دوجانبه تهران-آژانس در مارس ۲۰۲۳ میلادی را نیز رسماً زیر پا گذاشته است. در این پارادوکس خودساخته، گروسی از یک‌سو برجام را مبنای ادعایی خود به منظور پایبندی ایران به نظارت‌های فرآبادمانی قلمداد کرده و از سوی دیگر، مدام تأکید می‌کند که توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ میلادی دیگر عملاً از بین رفته و موضوعیتی ندارد!

دوم؛ گروسی را در معادله کنونی نیز نباید به‌مثابه بازیگری مستقل در حوزه سیاست خارجی (به ویژه مسئله هسته‌ای ایران) مورد شناسایی و تحلیل قرار داد. ماهیت مواضع گروسی، زمان بیان این مواضع و از همه مهم‌تر، تعریف این مواضع سلبی و بازدارنده

در بطن استراتژی فشار حداکثری غرب علیه ایران، جملگی نشان می‌دهد گروسی ضلع سوم مثلی است که آمریکا و اتحادیه اروپا دو ضلع آن را تشکیل داده‌اند؛ از این رو مواضع گروسی را اساساً نباید در فرامتنی حقوقی و ساختاری (وقف اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی) تحلیل کرد. مواضع گروسی ناظر بر یک فرامتن کلان قابل تفسیر است که ابعاد و جزئیات آن نه در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بلکه در اتاق فکر و عملیات دولت‌های آمریکایی، اعم از دموکرات و جمهوری خواه و اتحادیه اروپا چیده می‌شود. در این معادله، اساساً نیازی به یادآوری نقش پررنگ رژیم صهیونیستی و لابی‌های ضد ایرانی در تل‌آویسو و دیگر نقاط جهان وجود ندارد! لابی‌هایی که بر اتاق‌های فکر و عملیات غرب مسلط بوده و در بزنگاه‌هایی، مانند برگزاری جلسات شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نقش آنها پررنگ‌تر می‌شود.

سوم؛ راه مواجهه با پارادوکس خودساخته گروسی، حفظ ثوابت و خطوط قرمز هسته‌ای ایران و اصرار بر آنهاست. باید توجه داشت که پارادوکس خودساخته گروسی، نظر بر دفره‌سازی این خطوط قرمز یا کم‌رنگ کردن آنها صورت

می‌گیرد. مواضع کنونی گروسی، ادامه همان سریالی است که در دوران مدیر کلی وی شاهد آن بوده‌ایم! گروسی حتی زمانی که رژیم اشغالگر قدس تهدیدهایی را درباره هدف قرار دادن نیروگاه‌های هسته‌ای کشورمان صورت داد، حاضر به صدور یک بیانیه یا موضع‌گیری در تقابل با تل‌آویو نشد. از سوی دیگر، اصرار خاص گروسی بر دیدار با مقامات سیاسی کشورهای امضاکننده اولیه برجام، خصوصاً دولت کنونی آمریکا که اتفاقاً از توافق نیز خارج شده است، نشان می‌دهد او نسبت به اتخاذ راهکار سیاسی برای حل پرونده‌ای که خود آن را ایجاد کرده، علاقه بیشتری دارد تا راهکارهای فنی و حقوقی! این رویکرد مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، منبعث از آگاهی قطعی گروسی در قبال ساختگی بودن بسیاری از پرونده‌های مطرح‌ه علیه جمهوری اسلامی ایران، از جمله بخش‌های مهمی از پرونده موسوم به «موارد ادعایی» است. قطعاً در این خصوص نباید حتی لحظه‌ای نسبت به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نقشه راهی که در زمان حال یا آینده ترسیم می‌کند، حسن نیت داشت! این حسن نیت یک‌طرفه، همان موضوعی است که مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قویاً به دنبال آن است.

راه اروپا از آمریکا جدا می‌شود؟

برای تقسیم عادلانه هزینه‌ها را در ناتو دارد و به همین دلیل به کشورهای اروپایی فشار آورده است که باید سهم خود را از تولید ناخالص ملی برای ناتو به پنج درصد افزایش دهد و در غیر صورت آمریکا از ناتو خارج خواهد شد. «مرشایمر» استاد روابط بین‌الملل می‌گوید چرخش به سوی شرق آسیا موجب رویگردانی ترامپ از اروپا شده است و تلاش آمریکا برای برقراری صلح میان اوکراین و روسیه در همین راستاست. در کنار سخنان مرشایمر باید به این موضوع هم اشاره کرد که ترامپ اتحادیه اروپا را هم برای خود یک رقیب می‌داند و خیلی هم از فروپاشی اتحادیه اروپا ناراضی نیست. ترامپ از برخی جنبش‌های جدایی طلب در اروپا مانند برگزیت که همان خروج بریتانیا از اتحادیه اروپاست، حمایت کرد. او برگزیت را به‌عنوان یک تصمیم دموکراتیک و مثبت ستود و حتی پیش‌بینی کرد که سایر کشورها نیز ممکن است از اتحادیه اروپا خارج شوند. ترامپ بارها

رضا صارمی

دکترای امنیت ملی



نشست امنیتی مونیخ و سخنرانی «جی دی ونس» معاون ترامپ در آن تکلیف آمریکا و اروپا را تا حدود زیادی مشخص کرد. ونس در سخنرانی خود گفت: «کشورهای اروپایی مانند گوسفند هستند و آمریکا چوپان آنهاست. تاکنون آمریکا گوسفندها را تغذیه می‌کرد؛ ولی در حال حاضر چوپان گرسنه است.» این سخنان در واقع نگاه ترامپ به اروپا و ناتوست. ترامپ به صورت کلی به دنبال کاهش هزینه‌های آمریکاست تا این هزینه‌ها را ابتدا در داخل کشور برای تقویت زیرساخت‌ها استفاده کند و از این طریق توان رقابت آمریکا با چین را افزایش بدهد. بر همین اساس، ترامپ رویکرد انتقادی همراه با فشار مستقیم

پس از جنگ جهانی دوم را در هم می‌کوبند پاسخ آمریکا چگونه خواهد بود. و در ادامه می‌نویسد: «اروپا غم‌افزاترین هفتمه خود در تاریخ پس از فرو ریختن دیوار برلین را گذراند و هنوز پیامدهای آن به درستی برایش درک نشده است.» البته بعد از این مقاله اکونومیست، مکرون در سخنانی گفت: «اظهار ضعف در برابر پوتین تعامل با چین و ایران را دشوار خواهد کرد.» شاید از این سخن چنین برداشت می‌توان کرد که ممکن است در برخورد با چین و ایران، اروپا در کنار آمریکا نباشد. شاید اولین شاهد آن موضع‌گیری یکسکان ایران و اروپا درباره طرح ترامپ مبنی بر اخراج فلسطینیان از غزه باشد که هم ایران و هم اروپا این طرح را محکوم کردند. در ادامه هم اگر فشارهای آمریکا بر اروپا افزایش یابد، ممکن است کشورهای اروپایی حاضر به استفاده از مکانیسم ماشه علیه ایران نشوند و به نوعی آمریکا را در مقابل ایران تنها بگذارند.

تقویم انقلاب

عبور از کانال‌ها

سید مهدی حسینی

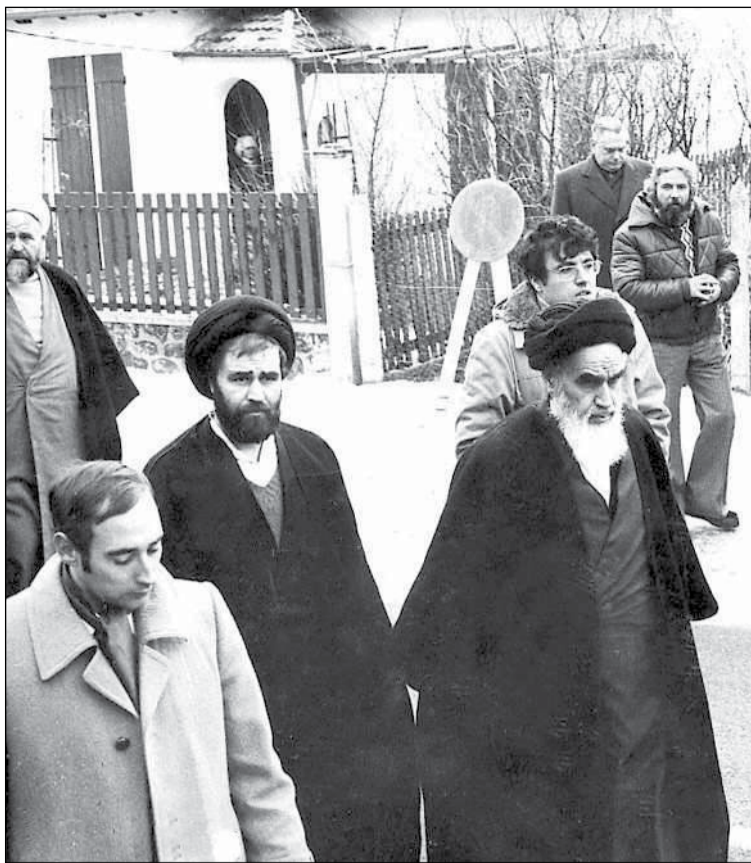
مورخ و پژوهشگر



در تقویم تاریخی انقلاب اسلامی، به ویژه در دوران هشت سال دفاع مقدس، دشمن موانع بسیاری ایجاد کرده بود که عبور از آنها بسیار سخت بود؛ اما مقاومت رزمندگان موجب شد ادبیات جدیدی در تاریخ بماند و امروزه در مناسبت‌ها، به ویژه برای روایتگران راهبان نور کاربرد خاصی داشته باشد. یکی از آن اصطلاحات مهم و رایج «کانال» و «عبور از کانال» است که مردان رشید گردان کمیل در عملیات «الفجر مقدماتی» در تاریخ بر جای گذاشته‌اند و شاید بسیاری از جوانان با آن آشنایی ندارند. به گفته فرماندهان و رزمندگان، در عملیات والفجر مقدماتی دشمن بعضی سه کانال تعبیه کرده بود.

کانال اول: از شرهانی تا جزایه امتداد داشت که طول آن حدود یکصد کیلومتر و عرض آن پنج تا شش متر با عمق سه تا چهار متری بود. این کانال با سه ردیف سیم خاردارهای حلقوی، مین‌های المری (جهنده و ضد نفر) که از خطرناک‌ترین انواع مین‌ها به شمار می‌آمد، با نبشی‌های نوک تیز مسلح شده بود و کسی جرئت ورود به این کانال را نداشت. افزون بر آن، بشکه‌های آتش‌زا درون زمین در اطراف کانال جاسازی شده بود. این بشکه‌های آتش‌زا یا همان فوگاز، که رزمندگان برای اولین بار در این منطقه با آن رویه‌رو شده بودند، از ماده منفجره فوگاز پر شده بود و از راه دور یا با تله‌های انفجاری منفجر می‌شد و آتش عجیبی تولید می‌کرد و تا شعاع ۲۰ متری زبانه می‌کشید. خاک کف کانال از جنس رس بود و بر اثر بارندگی در زمستان به گل و لجن تبدیل شده بود، لذا در کانال اول حدود نیم متر آب و لجن، گیاهان خودرو و سیم‌های خاردار وجود داشت و به این ترتیب، عبور از این کانال بدون استفاده از پل بسیار سخت و مستلزم وقت بسیاری بود.

رزمندگان پس از عبور از کانال اول با سه ردیف سیم خاردارهای حلقوی و میدان مین با عرض ۱۰ متر مواجه بودند. در اینجاست تخریبی‌هایی مسیر را باز کردند و به کانال دوم رسیدند. هنگام عبور از معبر میدان مین در بین کانال اول و دوم ناگهان منور زده شد، و بعد تیربارهای دشمن شروع به شلیک کردند. در این بین، تعدادی از رزمندگان توانستند در میان آتش سنگین دشمن خود را به کانال دوم برسانند و داخل کانال شوند. آنها زیر آتش سنگین دشمن پل دیگری روی کانال دوم انداختند و از کانال دوم هم عبور کردند و خودشان را به کانال سوم رساندند. پشت کانال سوم خاکریزهایی قرار داشت که نیروهای کماندوی زنده دشمن در آنجا بودند و نیروهای رزمنده را هدف گلوله قرار می‌دادند؛ عبور از کانال سوم و کماندوهای دشمن پایان کار مرحله اول بود و پشت آن جاده آسفالت بود که مربوط به مرحله دوم عملیات بود.



تصمیم گرفتند که اولاً طی تلگرافی از شاه خواسته شود که در جهت لغو تصویب‌نامه اقدام کند و ثانیاً به علمای مرکز و شهرستان‌ها در مورد تصویب‌نامه اعلام خطر شود و از آنها برای مقابله و مبارزه دعوت شود و ثالثاً با تشکیل جلسات فتنگی وحدت و اتفاق نظر در جهت مبارزه حفظ شود.

هر یک از مراجع جداگانه تلگرافی به شاه می‌کنند. لحن تلگرافات توأم با احترام، ملایم و خیر خواهانه است و به هیچ وجه بر آغاز یک مبارزه دلالت ندارد. پاسخی که شاه پس از یک هفته می‌دهد، مزورانه است؛ چرا که اولاً عنوان را در عبارت حجت‌الاسلام قرار می‌دهد تا صریحاً بگوید آنها را در حد مرجعیت نمی‌شناسد. ثانیاً با عبارت «توفیقات جناب مستطاب عالی را در هدایت افکار عوام خواهانیم» به آنها می‌گفت که وظیفه شما هدایت عوام است، نه دخالت در امور سیاسی کشور. ثالثاً با عبارت «توجه جناب عالی را به وضعیت زمانه و تاریخ و همچنین به وضع سایر ممالک اسلامی دنیا جلب می‌نمایم» می‌خواست بگوید شما ارتجاعی هستید و از دنیا بی‌خبرید و چرا اسلامی غیر از کشورهای اسلامی می‌خواهید.

پاسخ شاه همچنین از این حکایت داشت که او آلت فعل است و نه تصمیم‌گیر اصلی، زمانه و تاریخ و در واقع اجبار ابرقدرت‌ها او را به سویی می‌برد همان طور که سایر ممالک اسلامی را جلب می‌کند و به هر حال موضوع را به دولت احاله کرد.

کردن آزادی زنان دلیل عقب ماندن و محرومیت گذشته آنها را به عهده اسلام و قانون اساسی بگذارد. رابعاً آخرین مانعی که در راه پیوستگی کامل به غرب است از بین برداشته شود.

مبارزه باید از نقطه‌ای آغاز و آهنگ بیداری نواخته شود، همان طور که رژیم حاکم به تصور خود محیط را برای مذهب‌زدایی مناسب دیده بود. امام (ره) نیز در انتظار فرصتی بودند تا آغازگر یک تحول بنیادی باشند و همانطور که خواهیم دید ایشان بعد از شروع مبارزه هرگز از پای ننشستند و نهضت را تا مرحله انقلاب و سقوط رژیم کهن پیش بردند. حذف قید اسلام و حذف سوگند به قرآن برای هیچ فرد مذهبی در هر درجه‌ای که مخالف سیاست باشد، قابل تحمل نبود و تصویب‌نامه دولت علم به صورت اعلام جنگی علیه اسلام و قرآن تلقی شد و مبارزه با آن قطعاً یک تکلیف شرعی بود و از نظر گروه‌ها و دسته‌جات سیاسی و ملی هم می‌توانست به عنوان تغییر قانون در زمان تعطیل مجلس با دخل و تصرف در قانون اساسی و تجاوز به اساس مشروطیت شناخته شود و جهتی برای مبارزه باشد. بنابراین مبارزه‌ای بود که می‌توانست تمام نیروها را بسیج کند و قیام را همگانی کرده و ماهیت رژیم را منعکس کند.

روز ۱۶ مهر اولین اجتماع آیت‌الله خمینی (ره)، شریعتمداری و گلبایگانی در منزل مرحوم آیت‌الله حائری، مؤسس حوزه علمیه قم تشکیل یافت و

مرجعیت در برابر انجمن‌های ایالتی و ولایتی

کتاب آسمانی قید شده بود و به زنان حق رأی داده بودند.

مخالفت جامعه روحانیت در این زمینه چنین بود که زنان ایرانی از ابتدای‌ترین حقوق انسانی، همانند مردان محروم بودند. شاه در خدمت آمریکا بود و ماهیت اعطای حق رأی به زنان جز فریب، اغفال و به فساد کشاندن نسون چیزی در برنداشت و با فرستادن چند زن به انجمن دودی دوا نمی‌شد. مخالفت با تصویب‌نامه، مخالفت با آزادی بانوان نبود؛ بلکه مخالفت با توسعه فساد بود که رژیم در جهت آن پیوسته گام بر می‌داشت و به همین دلیل امام خمینی (ره) در همان تاریخ اعلام داشتند: «ما با ترقی زن‌ها مخالف نیستیم، ما با این فحشا مخالفیم. با این کارهای غلط مخالفیم مگر مردها در این مملکت آزادی دارند که زن‌ها داشته باشند؟ مگر آزادی مرد و آزادی زن بالفظ درست می‌شود؟!»

دلایل رژیم در تغییر و تبدیل قانون اولاً یک زور آزمایی با روحانیت و هواخواهان مذهب بود که آنها را برای همیشه کنار گذارند و دیگر مجبور به محافظه‌کاری در برابر مراجع دینی نباشند و این زمان مناسبی تشخیص داده شده بود. ثانیاً با برداشتن مذهب رسمی و سوگند به قرآن به گروه‌های صاحب نفوذ غیر معتقد به قرآن و اسلام و غیر اقلیت‌های مذهبی شناخته شده زرتشتی و کلیمی و مسیحی که عملاً سیاست کشور را در اختیار داشتند، فرصت دهد تا موجودیت خود را اعلام دارند. ثالثاً با عنوان

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

پس از انحلال مجلس بیستم به وسیله «امینی» در اوایل سال ۱۳۴۰ مقررات مسود نیاز دولت با فرم ابتکاری تصویب‌نامه انجام می‌گرفت. برای مردم که مجالسی از نوع مجلس دوره نوزدهم را دیده بودند (با آن ترتیب انتخابات و نمایندگان که داشت و قوانینی که تصویب می‌کرد) تفاوتی با تصویب‌نامه‌های دولت علم نمی‌دیدند و ترجیح می‌دادند لااقل به ظاهر هم نمایندگان نداشته باشند تا ادای قانون‌گذاری درآورند. در اصول ۹۱ و ۹۲ متمم قانون اساسی، تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی پیش‌بینی و شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در مواد ۷ و ۹ نظام‌نامه انجمن مصوب دوره اول مجلس معین شده بود و سه امر را دربرداشت:

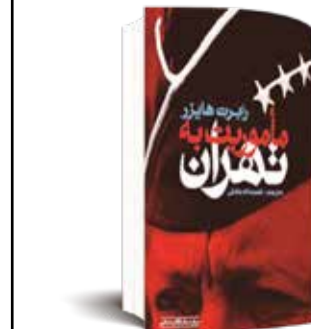
- ۱- باید متدین به دین حنیف اسلام باشند و فساد عقیده نداشته باشند.
- ۲- باید به قرآن مجید سوگند یاد کنند.
- ۳- زنان از انتخاب کردن و انتخاب شدن محرومند. مطبوعات روز ۱۶ مهر ۴۱ اعلام داشتند، دولت لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی جدید را تصویب کرده است و متن آن را انتشار دادند. در متن مصوب قید اسلام از شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان حذف و به جای سوگند به قرآن به

دهلیز

مأموریت ویژه هایزرا!

مروری بر تقویم آمریکا برای تداوم رژیم دیکتاتوری پهلوی

کمک می‌کردند. مسئله دوم اگر آنها از کار با بختیار بود. وفاداری آنها به شاه آن قدر قوی بود که به نظر نمی‌رسید به اقتیاد جدیدی گردن نهند به بختیار هم قلیاً اعتماد نداشتند. ترس آنها را در کم می‌کردم. بختیار عضو جبهه ملی بود و همه می‌تسیدند که ورود او به معنی خروج دیگران باشد، همه نگران بودند که بختیار ممکن است خبر تشکیل «هیات» را شنیده باشد و در آن صورت به محض رفتن شاه آنها را قلع و قمع کند. مسئله سوم، تهیه طرح اولویت‌ها برای نخست‌وزیر جدید بود، طرح‌های گسترده برای به حرکت در آوردن اقتصاد و سرپا آوردن دوباره کشور مورد نیاز بود. باید آب و غذای کشور تأمین می‌شد نفت، گمرک، بانک‌ها، برق و رسانه‌های همگانی کار خود را از سر می‌گرفتند، باید با جنگ روانی امام خمینی مقابله می‌شد. من و گاست تمام شب را با توفان‌هایی که در ذهن مان می‌گذشت سپری کردیم.»



حضور آمریکایی‌ها در ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به طور ویژه‌ای گسترش یافت. شاه دست‌نشانده پهلوی که پیش از آن خود را به انگلیسی‌ها وابسته می‌دانست، آن روز متوجه شد که زین پس اربابش آمریکا خواهد بود. اینجا بود که تمام قلم در صف خدمت به آنان قرار گرفت و همه امور کشور را به آنها سپرد.

آمریکایی‌ها هم برای دوام و قوام حکومت پهلوی هیچ چیز کم نگذاشتند. وقتی در زمستان ۱۳۵۷ اوضاع آنقدر خراب شده بود که محمدرضا یاری ماندن در ایران را نداشت و تصمیم گرفت تا با همه توان برای ماندگاری او تلاش کند، «ژنرال هایزرا» به عنوان نماینده ویژه ارتش آمریکا وارد کشور شد تا با سامان امور، مانع از سقوط پهلوی شود. هر چند دیگر دیر شده بود و طوفانی که با قیام حضرت روح‌الله و مردمی که با او عهده بسته و مستحضر به حمایت و نصرت الهی بودند، به راه افتاده بود، همه چیز را بیرون از اراده آمریکایی‌ها به پیش برد و انقلاب اسلامی ملت ایران را در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رساند.

در کتاب «مأموریت در تهران» که خاطرات ژنرال هایزرا در خود جای داده، آمده است: «اولین مسئله‌ای که باید با آن رویه‌رو می‌شدیم رفتن شاه بود. باید در می‌یافتیم که هر کدام از فرماندهان بارفتن شاه چه می‌کردند. واشنگتن درست فکر کرده بود. وظیفه اصلی ما طبق رهنمود کارتر جلوگیری از فرار فرماندهان بعد از رفتن شاه بود. باید فرماندهان می‌ماندند و در تثبیت دولت و در دست گرفتن اوضاع مملکت

حافظه

تفرقه بنداز و غارت کن!

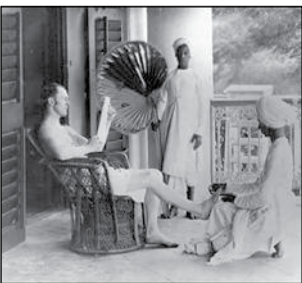
نگاهی به حضور استعمارگران در شبه قاره هند

«پل باران» می‌گوید که انگلستان برای تحکیم سلطه خود در هند، به ایجاد طبقات و منافع جدیدی برای این طبقات دست زد؛ به گونه‌ای که وابسته همان حکومت باشند. در آن نظام، زمین‌داران، شاهزادگان و عده کثیری از افراد دیگر که در بخش‌های گوناگون حکومت به خدمت اشتغال داشتند، از کدخدا تا بالا وجود داشتند... افزون بر این، سیاست تفرقه‌افکنی میان هندیان نیز در تمام مدت دوران حکومت بریتانیا به طور عامدانه و پیگیر به کار بسته شده و به اختلافات گروه‌ها در مقابل یکدیگر دامن زده می‌شد.

باران ادعا می‌کند، چون ساختار اقتصادی-سیاسی هند در طول بیش از یک قرن از طریق حکومت استعماری انگلستان تغییر یافته بود، برچیده شدن رسمی دولت استعماری انگلستان در هند، احتمالاً

نمی‌توانست آثار به جای مانده از این دوران را به طور کامل محو کند؛ بنابراین وابستگی حتی پس از کسب استقلال سیاسی نیز، هنوز در هند وجود داشت و توسعه نیافتگی هند را با خود باز تولید می‌کرد.

باران، در جایی از نهر و نقل می‌کند: «تقریباً همه معضلات عمده امروز، در خلال حکومت بریتانیا نضج گرفته و ثمره مستقیم سیاست بریتانیاست: مشکل شاهزاده‌ها، مشکل اقلیت‌ها، صاحبان منافع مختلف، اختلاف هندی‌ها با خارجی‌ان، فقدان صنعت و غفلت از کشاورزی، عقب‌ماندگی مفرط خدمات اجتماعی و بالاتر از همه، فقر اندوهبار مردم.»



انگلیسی‌ها برای تسهیل سلطه استعماری خود، یک نظام آموزشی را نیز در پیش گرفتند که هدف از آن نگاه داشتن اهالی هند در پایین‌ترین درجه جهالت بود. باران می‌افزاید: «نظام آموزشی

که تحت نظر انگلستان دایر گردید، به هر اقدامی متوسل می‌شد تا ضمن ممانعت از رشد و ترقی هند، خلافت علمی و گرایش‌های فنی هندیان را نیز سرکوب نماید... مثلاً به جای آموزش مردم در این جهت که شناخت و وسیع‌تری از جهان اطراف خود کسب کرده و بهترین طریق کنترل و استفاده از نیروهای طبیعت را فرا بگیرند، به آنان آموخته می‌شد

آیا روسیه از ترامپ رودست می‌خورد؟

زهراتوحیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

وزرای خارجه آمریکا و روسیه برای اولین بار در سه سال اخیر با یکدیگر دیدار و درباره مناقشه اوکراین مذاکره کردند و از دستیابی به توافق خبر دادند. این مذاکرات که در ریاض و در غیاب اوکراین و اتحادیه اروپا برگزار شد، جهان را شوکه کرد و پیامی آشکار و صریح برای کسانی داشت که دل در گرو واشنگتن دارند.

«مهدی خورسند» کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «صبح صادق»، نخستین نکته تأمل برانگیز را انتخاب ریاض به عنوان مکان مذاکرات می‌داند. او می‌گوید: «ترامپ در نخستین دور ریاست جمهوری خود نیز نگاه ویژه‌ای به عربستان سعودی داشت و آن را گاو شیرده توصیف کرده بود و با رویکردهای خود موفق شد قراردادهای خرید تسلیحاتی بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار منعقد کند. این بار نیز انتخاب این کشور، زمینه‌سازی برای تعاملی جدید است؛ شاید اعتباربخشی در میدان بازی بین‌المللی در ازای پترول‌لارهای نفتی بیشتری که به جیب اسلحه‌سازان آمریکایی برود.»

اوکراین، لولوی ترامپ علیه اروپا

وی افزود: «موضوع مهم‌تر در این ماجرا، رقابت هژمونیک روسیه و چین با آمریکا در نظام بین‌الملل است؛ به خصوص بعد از سال ۲۰۱۰ که راهبرد سیاست خارجی آمریکا رسماً به آسیا پاسیفیک تغییر پیدا کرد و توجه‌شان به بازیگرانی در شرق آسیا، به طور خاص به این دو کشور رقیب معطوف شد. این اهمیت زمانی بیشتر شد که تلاش‌های سیستماتیک از سوی کشورهای چین و روسیه برای تضعیف جایگاه دلار صورت گرفت و منطقه‌گرایی، مانند تقویت بریکس، در سیاست خارجی این دو کشور جایگاه مهم‌تری پیدا کرد. این اقدام‌های نوظهور به دنبال کسب قدرت بیشتر در نظام بین‌الملل هستند و قاعدتاً آمریکایی‌ها در تلاش هستند تا این بازیگران را تحت کنترل خود در بیاورند.»

این کارشناس بین‌الملل با اشاره به اهداف پنهان واشنگتن در دامن زدن به جنگ اوکراین، تصریح کرد: «آمریکا با دامن زدن به جنگ اوکراین هم به دنبال تضعیف روسیه بود و هم تضعیف اتحادیه اروپا؛ اتحادیه‌ای که مدت‌هاست به دنبال گذر از نظام تک‌قطبی آمریکا و رها شدن از یوغ این کشور است. از این رو، واشنگتن با حمایت‌های فریبنده سیاسی و نظامی از اوکراین و مذاکرات دو جانبه

با زلنسکی در پی فرسایشی کردن این جنگ بود تا فشارهای اقتصادی سنگینی را به روسیه تحمیل کند و با گسترش فضای ناامنی و تهدیدات نظامی بر سر اتحادیه اروپا، وابستگی این کشورها به واشنگتن را حفظ نماید.»

وی افزود: «در دوران جدید آمریکا تحت ریاست جمهوری ترامپ، واشنگتن برگ جدیدی را در این بازی رو کرده و با دادن امتیازاتی به روسیه به دنبال تأمین منافع دیگری است؛ به ویژه تأمین منافع اقتصادی و هژمونیک. ابتدایی‌ترین نکته این است که ترامپ می‌خواهد با کنار گذاشتن اروپا به این اتحادیه بفهماند باید هزینه بیشتری برای خرید تسلیحات آمریکایی صرف کند. از سوی دیگر، همانطور که هند را به عنوان تنظیم‌کننده و مدیریت چین به کار گرفته، می‌خواهد روسیه را به بازی بگیرد تا اتحادیه‌های نوظهوری را که این کشور با چین دارد، دچار شکاف یا دست کم تضعیف نموده تا هژمونی اقتصادی خود را بازبایی کند.»

ترامپ اتفاق است نه رویه

وی با بیان اینکه تحقق آمال آمریکایی‌ها سادگی در جهان امروز قابل حصول نیست، افزود: «روسیه برحسب تجربه می‌داند که ترامپ یک اتفاق در آمریکاست و نه یک رویه؛ رویه آمریکایی‌ها

پنجره

۵۷ میلیارد پوند

بودجه نظامی دولت انگلیس چقدر است؟

انگلیس، برای اعزام نیروهای صلح‌بان به اوکراین و تحت‌الشعاع قرار خواهد داد...

دولت انگلیس در حال برنامه‌ریزی برای خرید سامانه پدافندی مشابه گنبد آهنین رژیم صهیونیستی است. آلمان پیشتر سفارش سامانه Arrow ۳ را با هزینه ۳ میلیارد پوند داده است. همچنین، وزارت دفاع انگلیس در حال بررسی خرید پهپادهای جدید برای حفاظت از زیرساخت‌های دریایی این کشور در برابر تهدیدهای احتمالی روسیه است. با این حال، کارشناسان نظامی و اقتصادی هشدار می‌دهند که تحقق این برنامه‌ها با چالش‌های جدی روبرو است. اقتصاد انگلیس در سال‌های اخیر با رکود و افزایش بدهی‌های عمومی مواجه بوده و دولت برای تأمین هزینه‌های نظامی با محدودیت‌های بودجه‌ای روبرو است. تحلیلگران معتقدند، اختصاص بودجه‌های کلان برای خرید سامانه‌های دفاعی و تجهیزات پیشرفته، بدون پیش‌بینی منابع مالی پایدار، می‌تواند فشار مضاعفی بر اقتصاد بحرانی‌زده این کشور وارد کند.

کمیته بودجه دفاعی انگلیس در حالی پیچیده‌تر شده است که اختلافات داخلی بر سر میزان افزایش هزینه‌های دفاعی با نگرانی‌های خارجی درباره تحولات جنگ اوکراین و تغییر رویکرد آمریکا در قبال ناتو هم‌زمان شده و این وضعیت، دولت انگلیس را برای توازن میان نیازهای امنیتی و محدودیت‌های مالی در موقعیتی دشوار قرار داده است. انگلیس در حال حاضر حدود ۲/۳ درصد از تولید ناخالص داخلی خود، معادل ۵۶/۹ میلیارد پوند را صرف امور دفاعی می‌کند. یکی از دغدغه‌های اصلی لندن، ادامه حمایت از اوکراین است؛ تاکنون دولت انگلیس ۷/۸ میلیارد پوند کمک نظامی به کی‌یف ارائه کرده است. یکی دیگر از مشکلات جدی ارتش انگلیس، کمبود نیروی انسانی است. بر اساس گزارش وزارت دفاع انگلیس، نیروهای مسلح این کشور ماهانه ۳۰۰ سرباز بیش از آنکه بتوانند جذب کنند، از دست می‌دهند. «ریچارد دانات» رئیس پیشین ارتش انگلیس، هشدار داده است این کمبود نیرو طرح «کی‌یر استارمر» نخست‌وزیر

تحلیل

مرگ اتحاد دو سوی اطلس

معنای سخنرانی معاون ترامپ در مونیخ چیست؟

اشاره کرد که اروپا اقتدر ضعیف است که مستحق مشورت یا قرار گرفتن بر سر میز با قدرت‌های بزرگی که مذاکرات را انجام می‌دهند، یعنی آمریکا، روسیه و احتمالاً چین نیست. هفته گذشته، بیش از یک‌زنگ خطر برای اروپایی‌ها بوده است. بدترین ترس‌های آنها نمودار شده است. رهبران و مقامات دفاعی اکنون می‌دانند که تنها هستند، نمی‌توانند به آمریکا برای احترام به بند دفاع دسته جمعی ناتو تکیه کنند و ترامپ تمایلی ندارد آنها را در توافقی که امیدوار است با پوتین برای پایان دادن به جنگ منعقد کند، بکنجاند. بدتر از آن، او با تعیین شرایط یک توافق، قصد دارد اروپا از برکه گسترده، از جمله تضمین‌های امنیتی برای کی‌یف استفاده کند.» نتیجه اینکه اروپا هنوز به آمریکا نیاز دارد و به این امر آگاه است، اما آمریکای ترامپ دیگر نیازی به اروپا نمی‌بیند.

دو بار، قدرت‌های بزرگ، کنفرانس مونیخ را برای ایراد سخنانی انتخاب کرده‌اند که ساختار امنیت جهانی را به طرز چشمگیری تغییر داد. اولین بار در سال ۲۰۰۷ بود که «پوتین» هشدار داد روسیه دیگر از قوانین تعیین شده از سوی غرب پیروی نخواهد کرد و با ناتو به مثابه یک نیروی متخاصم رفتار خواهد کرد. و دومین بار همین هفته گذشته بود که معاون «ترامپ» اخطار مشابهی را به متحدان اروپایی آمریکا ارسال کرد؛ شوکی برای اروپایی‌ها که اتحاد ماوراء اطلس را از نظر بالینی مرده می‌بینند. به نوشته «پلومبرگ»، سخنرانی پوتین به سه جنگ منجر شد (گرجستان در سال ۲۰۰۸، اوکراین در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲) شد، نقشه بازار انرژی اروپا را تغییر داد و همچنین یک بلسوک نظامی جدید را ایجاد کرد که شامل روسیه، چین، ایران و کره شمالی است. پلومبرگ افزود: «اونس در سخنرانی‌اش

پیشخوان

افول برتری نظامی آمریکا



نشریه «اکنومیسٹ» در گزارشی با عنوان «برتری نظامی آمریکا در خطر است»، نوشت: «آمریکا به نیروهای اوکراینی کمک کرد تا پهپادهایی بسازند که توانمندتر و در عین حال ارزان‌تر از پهپادهای مستقر در افغانستان و عراق هستند و یک «زنجیره کشتاری» مبتنی بر هوش مصنوعی به راه انداخت که در آن، اهدافی شناسایی شدند که اغلب در اعماق خطوط دشمن بودند و مهمات به سمت آنها هدایت می‌شدند. شرکت‌های آمریکایی نیز به طور منظم از اوکراین بازدید می‌کنند تا نحوه عملکرد سلاح‌های خود را از نزدیک ببینند. سرمایه خصوصی به سوی شرکت‌های آمریکایی سرازیر شده است که به دنبال ایجاد انقلابی در میدان جنگ متعارف هستند.» این نشریه افزود: «علی‌رغم نوآوری‌ها و بودجه دفاعی گسترده آمریکا، نیروهای مسلح این کشور هنوز نتوانسته‌اند خود را با این تغییرات سازگار کنند.» «مارک میلی» یکی از کهنه سربازان آمریکا، در مقاله‌ای نوشت: «شرکت‌های آمریکایی بهترین سیستم‌های هوش مصنوعی را می‌سازند، اما نیروهای نظامی این کشور برای به کارگیری و استفاده از آنها با مشکل روبرو هستند. آمریکا برای حفظ برتری نظامی خود، باید سه امر را تغییر دهد: اول نیروهای نظامی‌اش، که چگونگی و با چه چیزی می‌جنگند، دوم، صنعت دفاعی که باید به سمت شرکت‌های جدیدتر و نوآورتر برود. سوم، مخارج بی‌حساب و کتاب دفاعی.»

قربانی جدید وال استریت!



روزنامه «نیویورک تایمز» در گزارشی نوشت، ناتوانی آتش‌نشانی آمریکا برای مهار شعله‌های آتش لس‌آنجلس در ماه گذشته به این دلیل بوده که قربانی سودجویی سرمایه‌گذاران وال‌استریت شده و جان مردم این کشور را به خطر انداخته است. این روزنامه با اشاره به تجهیزات بسیار فرسوده ماشین‌های آتش‌نشانی، تصریح کرد: «این مشکل در سال‌های اخیر تشدید شده است؛ زیرا مدیران وال‌استریت این صنعت را برای افزایش سود حاصل از فروش ماشین‌های آتش‌نشانی در اختیار گرفتند.» به نوشته این روزنامه، «صنعت ماشین‌های آتش‌نشانی پیشتر از تولیدکنندگان کوچک محلی تشکیل شده بود که بسیاری از آنها سالانه ده‌ها یا صدها ماشین می‌ساختند، اما در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، با مشکلات اقتصادی مواجه شدند و شرکت‌های سرمایه‌گذار وال‌استریت با استفاده از این وضعیت، آنها را با قیمت پایین خریدند.» در سال ۲۰۰۶، یک شرکت سهام خصوصی به نام American Industrial Partners شرکت‌های ماشین‌های آتش‌نشانی و همچنین شرکت‌هایی که آمبولانس‌ها، اتوبوس‌های مدرسه، رفکترهای خیابانی و وسایل نقلیه تفریحی می‌سازند، خریداری کردند و از آن زمان، مدیریت این صنعت را در دست دارند.

کوچ یا اخراج؟

«یسرائیل کاتس» وزیر جنگ رژیم صهیونی، در نشست‌های که درباره کوچ داوطلبانه ساکنان غزه در وزارت جنگ رژیم صهیونی برگزار شد، گفت: «اداره‌ای در وزارت جنگ برای کوچ داوطلبانه ساکنان غزه راه‌اندازی خواهد شد.» بر اساس بیانیه‌ای که وزارت امنیت رژیم اشغالگر منتشر کرده، قرار است در این اداره، نمایندگان از سایر وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های امنیتی رژیم صهیونی حضور داشته باشند. در طرح اولیه این اداره، کمک‌های گسترده‌ای به هر یک از ساکنان غزه که به مهاجرت داوطلبانه به کشور ثالث تمایل داشته باشند، در نظر گرفته شده است امکان خروج به صورت ویژه از طریق دریا، هوا و زمین فراهم شود.



دهه‌های از دست رفته

«آرمین پاپرگر» مدیرعامل شرکت «راین‌متال»، بزرگ‌ترین شرکت تسلیحات‌سازی آلمان و یکی از سرشناس‌ترین شرکت‌های تسلیحات‌سازی غربی تأمین‌کننده تجهیزات نظامی برای کیف، هشدار داد اتحادیه اروپا به سبب جنگ اوکراین انبارهای تسلیحاتی خود را خالی کرده و باید هزینه‌های تولید تسلیحات خود را افزایش دهد. وی تصریح کرد: «حتی اگر جنگ در اوکراین متوقف شود، اشتباه است که فکر کنیم یک‌آینده بسیار صلح‌آمیز خواهیم داشت.» پاپرگر از کشورهای اتحادیه اروپا بابت سرمایه‌گذاری کم در دهه‌های گذشته در بخش نظامی انتقاد و تأکید کرد: «به همین دلیل بوده که آنها از مذاکرات آمریکا و روسیه در ریاض کنار گذاشته شده‌اند.»



وحشت سرمایه‌گذاران!

«جوزف استیگلیتز» اقتصاددان معاصر آمریکایی و برنده جایزه نوبل هشدار داد: «سیاست‌های دونالد ترامپ، آمریکا را به مکانی ترسناک برای سرمایه‌گذاری تبدیل خواهد کرد و تردید ناشی از تعرفه‌ها و تحقیر حاکمیت قانون مانع از سرمایه‌گذاری در این کشور می‌شود.» وی افزود: «دولت آمریکا تعداد زیادی قرارداد دارد و ما فقط آنها را پاره می‌کنیم، می‌توانم بگویم، آمریکا به مکانی ترسناک برای سرمایه‌گذاری تبدیل شده است.» این اقتصاددان اظهار داشت: «تعرفه‌های تلافی‌جویانه ترامپ تورم را افزایش می‌دهد و فدرال رزرو «به وضوح نگران» تأثیرات تورمی سیاست‌های ترامپ است که می‌تواند به افزایش نرخ بهره منجر شود.»



یادداشت

اصلاح الگوی کشت برای صیانت از آب

جعفر قادری

اقتصاددان و نماینده مجلس



یکی از موضوعاتی که سال‌هاست نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از کشورهای جهان از آن بسیار سخن گفته می‌شود «بحران آب» است. اقلیم خشک ایران، این موضوع را نسبت به دیگر کشورها برجسته‌تر می‌کند که باید تمهیدات لازم برای عبور از وضعیت بحرانی اندیشیده شود، به گونه‌ای که این موضوع را حتی باید با دید یک مقوله اجتماعی، امنیتی، اقتصادی و حتی سیاسی بسیار مورد توجه قرار دهیم.

در این موضوع شکی نیست که کارشناسان حوزه آب سال‌هاست به مسئولان نسبت به مخاطرات جدی بی‌آبی تذکر می‌دهند؛ اما آنچه در این باره بسیار حائز اهمیت است، اجرای راهکارهایی است که ضمن اینکه بتواند بحران آب را تا حد بسیاری کاهش دهد، در موضوع فرونشست زمین و مسئله بسیار مهم مدیریت منابع آبی کشور نیز نتایج خوبی حاصل شود.

آمارها حاکی از آن است که بخش قابل توجهی از منابع آب تجدید شونده استفاده شده و حدود ۵۵ درصد آب مصرفی کشور از منابع آبی زیرزمینی تأمین می‌شود که رقم بسیار بزرگی است؛ لذا این ضرورت ایجاد می‌شود که با توجه به مصرف بالای آب در بخش کشاورزی منابع آبی با حساسیت ویژه مدیریت شود.

برای عبور از این وضعیت باید مدیران شایسته‌ای که سوءمدیریت در کارنامه و پیشینه آنها نباشد، روی کار بیایند؛ زیرا هرگونه بی‌توجهی به مخاطرات این روند و سوءمدیریت به منابع آبی کشور و به مصرف درست و بهینه آب در تمامی حوزه‌ها به‌ویژه بخش کشاورزی، آسیب‌های جدی وارد می‌کند.

جلوگیری از هدررفت آب در بخش کشاورزی، و جلوگیری از تولید محصولات آب‌بر در ایران موضوع بسیار مهمی است که باید در دستور کار دولتمردان قرار گیرد تا خسارت‌های این بخش به مرور زمان کاهش یابد.

تولید محصولاتی مانند هندوانه، صیفی‌جات و دهها محصول آب‌بر از جمله موضوعاتی است که باید بسیار کاهش یابد یا حتی به صفر برسد؛ زیرا ممنوعیت تولیدات محصولات با آب‌بری بالا تصویب و ابلاغ شده است. برآوردها نشان می‌دهد بیش از ۷۰ درصد آب کشور در بخش کشاورزی مصرف می‌شود. وجود مسائلی که بر کاهش بارش بار اثر گذاشته است، نشان می‌دهد میزان بارش و سال‌آبی ما متناسبی با مصرف ندارد؛ به این معنا که خروجی یا مصرف آب افزایش یافته است. بنابراین برای جلوگیری از این روند با ارتقای سطح کشاورزی کشور باید در جلوگیری از تولید محصولات آب‌بر نسبت به گذشته جدیت بیشتری در دستور کار قرار داده شود، زیرا تولیداتی مانند تولید هندوانه یا صادرات این محصول نه تنها بهره‌وری ندارد، بلکه بحث تأمین آب شرب را تحت الشعاع قرار می‌دهد و به نوعی صادرات غیرمستقیم آب از کشوری است که بحران آب دارد و با خشکسالی دست و پنجه نرم می‌کند.

بی‌تردید، این موضوع برای جلوگیری از انباشت بحران در حوزه آب باید در دستور کار جدی کمیسیون نیرو قرار بگیرد، زیرا با وجود محدودیت‌های آبی کشور نباید زمینه برای کشت‌های آب‌بر که کمترین بهره‌وری ندارد، فراهم شود.

نظارت بر بازار رمز ارزها ضروری است



ساحل عباسی

خبرنگار

کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی گفت: «در صورتی که بانک مرکزی با استدلال‌هایی، مانند اینکه صرافی‌ها از این بانک مجوز نداشتند، بنابراین ما نیز بر معاملات و تبادلات مالی رمز ارزها نظارت کافی نداشتیم. اگر مردم در این بازار زبان کنند قاعدتاً توجهات بانک مرکزی را نخواهند پذیرفت و تأکید خواهند داشت بانک مرکزی باید با صرافی‌های متخلف برخورد می‌کرد و به صرافی‌های معتبر مجوز می‌داد تا مردم گرفتار کلاهبرداران نشوند.»

«ایمان زنگنه» کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با صبح صادق نگاهی به موضوع چگونگی روند نظارت بر معاملات رمز ارزها و اهمیت این موضوع داشته است، وی در این باره به ما گفت: «در دنیای جدید قوانین نیز باید بر اساس مسائل و معادلات جدید تدوین، تصویب و اجرا شود. بنابراین نباید خود را فریب دهیم زیرا در این صورت از دنیای جدید عقب می‌مانیم، ضمن اینکه می‌توانیم از محاسن ابزارهای جدید محروم شویم و معایب و خطراتش آسیب‌های جدی به ما وارد کند.»

وی در این باره خاطر نشان کرد: «داد و ستد و معامله در اعصار مختلف شکل‌های گوناگونی داشته است، از داد و ستد به صورت کالا به کالا تا داد و ستد با سکه‌های نقره و طلا و دیگر مسکوکات تا پول‌های کاغذی و کارت‌های بانکی که در سال‌های اخیر به جمع قبلی‌ها افزوده شده است و امروز که شاهد رواج پدیده‌ای با عنوان رمز ارزها هستیم که به نوعی به وسیله‌ای برای داد و ستد نیز مبدل شده‌اند. اگر چه رمز ارزها همچنان برای بخشی از مردم ناشناخته‌اند، اما اخبار مرتبط با سود و زیان‌های قابل توجه آن می‌تواند برای بسیاری از مردم جذاب بوده و قاعدتاً عده‌ای از

مردم را جذب این بازار کند.»

ایمان زنگنه در این باره به نقش نظارتی بانک مرکزی اشاره کرد و گفت: «از زمانی که موضوع معامله با رمز ارزها و خرید و فروش و سرمایه‌گذاری در بازار «کریپتوکارنسی‌ها» مطرح شده و برخی از دارندگان سرمایه و مردم به سرمایه‌گذاری در این حوزه اقبال نشان داده‌اند نه تنها دولت‌های مستقر در ایران، بلکه دولت‌ها در تمام جهان به این نتیجه رسیده‌اند که برای جلوگیری از خسارت‌هایی که از محل معاملات رمز ارزها می‌تواند ایجاد شود باید روند نظارتی بر این بازار را در دستور کار خود قرار دهند.»

این کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی معتقد است: «بی‌تردید مانند بسیاری از کشورهای توسعه یافته که امروز معاملات رمز ارزها در این کشورها رایج است، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز باید بر روند معاملات رمز ارزها نظارت داشته باشد؛ چون با تولید بانک مرکزی بر حوزه رمز ارزها اتفاق مثبتی صورت می‌گیرد.» وی در این باره به چند نکته مهم اشاره کرد و گفت: «نظارت بر روند مبادلات و معاملات رمز ریال یا رمز پول که همان رمز ارزهاست برای این حوزه حائز اهمیت است که تمام امکاناتی که امروز با عنوان داده‌های اعتباری یا پول‌ها و ارزهای جدید مطرح می‌شود به نوعی جان‌نشین پول شده‌اند نیز در این حوزه وجود دارد.»

زنگنه خاطر نشان کرد: «شاید رمز ارزها مثل دیگر ارزها هنوز قدرت پذیرندگی عمومی پیدا نکرده‌اند؛ اما قابلیت سنجش‌پذیری دارند پس وظایف پول و اقتصاد پولی درباره آنها نیز صدق می‌کند. وقتی رمز ارزها قابلیت سنجش‌پذیری و پرداخت‌های آینده و البته ذخیره سازی داشته باشند، نظارت بر این حوزه نیز بر عهده بانک مرکزی است.»

وی در این باره تصریح کرد: «وقتی قیمت رمز ارزها در طول یک روز می‌تواند بدون هیچ دامنه و محدودیتی روند کاهشی یا افزایشی داشته و قابلیت

ذخیره‌سازی دارد؛ این سؤال مطرح می‌شود که آیا این امکان وجود دارد که عموم مردم رمز ارزها را در مبادلات بپذیرند و از آن استفاده کنند؟» ایمان زنگنه تأکید کرد: «وقتی رمز ارز می‌تواند به منزله پول ملی کشورها مطرح شود و حاکمیت پولی و اعتباری کشورها را خدشه دار کند؛ پس به این معناست که به منزله رقیب حاکمیت پولی اعتباری و ارزی کشورها قد علم کرده است، اینجاست که متوجه می‌شویم نظارت بر رمز ارزها خاص ایران نیست، بلکه مرتبط با همه کشورهاست حتی در آمریکا نیز فدرال رزرو ملاحظات متعددی نسبت به پدیده رمز ارزها اتخاذ کرده است.»

این کارشناس اقتصادی یادآور شد: «با یک جست‌وجوی ساده متوجه می‌شوید بانک‌های مرکزی کشورهای اروپایی نیز برای پدیده رمز ارزها ملاحظاتی در نظر گرفته و قوانینی تصویب و ابلاغ کرده‌اند. پس این موضوع خاص بانک‌های مرکزی همه کشورهاست.»

وی در این باره با اشاره به اینکه بانک مرکزی ورودی آگاهانه برای نظارت بر روند معاملات رمز ارزها داشته است، گفت: «پدیده نظارت بر معاملات رمز ارزها مختص ایران نیست و همه بانک‌های مرکزی این رویه را در دستور کار قرار داده‌اند، پس باید تولید این امر را به بانک مرکزی سپرد.» وی تأکید کرد: «نظارت بر معاملات و ایجاد شفافیت از سوی بانک مرکزی بر معاملات و تبادلات رمز ارزها اقدام بسیار مفیدی است.»

ایمان زنگنه به دو مؤلفه مهم درباره رمز ارزها اشاره کرد و گفت: «رمز پول‌ها یا رمز ارزها دو شاخصه بسیار مهم دارند. اولین شاخصه فنی است، زیرا در بستر بلاک چین قرار دارد و می‌تواند درباره فناوری اطلاعات صحبت کند؛ اما یک سوی دیگر بحث مسائل مرتبط با حفظ تضامین لازم برای عدم پولشویی و تخلف و کلاهبرداری در این فضا است که این موضوع باید به بانک مرکزی سپرده شود تا این نهاد سازکار، قواعد و

نظامات این حوزه را با توجه به استفاده از نظرات کارشناسان و متخصصان امر پیاده کند.»

وی در ادامه بحث تأکید کرد: «امروز بهترین نقطه برای شروع نظارت و تدوین قوانین لازم معاملات و تبادلات رمز ارزهاست، زیرا بانک مرکزی حتماً اطلاعات موثقی از گردش مالی صرافی‌هایی که در حوزه رمز ارزها فعالیت می‌کنند دارد، به این معنا که گردش مالی این حوزه رقم‌های بسیار بزرگی است.»

زنگنه خاطر نشان کرد: «با توجه به اینکه گردش مالی رمز ارزها اعداد بسیار بالایی است، بانک مرکزی باید بر روند معاملات و تبادلات مالی این حوزه نظارت کند، زیرا در پس هرگونه کلاهبرداری و سوءاستفاده‌های کلان مالی که از این حوزه می‌تواند صورت بگیرد، بحرانی اجتماعی نهفته است. پس بانک مرکزی برای اینکه مردم منتظر نشوند و نسبت به پیامدهای منفی زبان‌ها و کلاهبرداری‌ها دولت و بانک مرکزی را مقصر ندانسته و تحت فشار اعتراضی خود قرار ندهند باید بر این معاملات نظارت دقیقی داشته باشد.»

این کارشناس اقتصادی گفت: «در صورتی که بانک مرکزی با استدلال‌هایی مانند اینکه صرافی‌ها از این بانک مجوز نداشتند، بنابراین ما نیز بر معاملات و تبادلات مالی رمز ارزها نظارت کافی نداشتیم. اگر مردم در این بازار زبان کنند، قاعدتاً توجهات بانک مرکزی را نخواهند پذیرفت و تأکید خواهند داشت بانک مرکزی باید با صرافی‌های متخلف برخورد می‌کرد و به صرافی‌های معتبر مجوز می‌داد تا مردم گرفتار کلاهبرداران نشوند.» وی در پایان این گفت‌وگو خاطر نشان کرد: «بانک مرکزی در باره خرید طلای آب شده نیز به مردم هشدارهای لازم را داده است. بنابراین، با توجه به اینکه نبود نظارت بانک مرکزی در این حوزه مانعی بزرگ برای پیگیری‌هاست به ناچار بانک مرکزی باید با مقررات‌گذاری‌های درست و آگاهانه سازی مردم به این حوزه ورود دقیق و جدی داشته باشد.»

شاخص

لغزش پورشه

شرکت سازنده خودروهای لوکس پورشه قصد دارد موقعیت شغلی را حذف کند چرا که حاشیه سود این شرکت تحت تأثیر شرایط نامطمئن بازار قرار گرفته است. این برنامه تعدیل نیرو تا سال ۲۰۲۹ منجر به کاهش ۱۵ درصدی نیروی کار در کارخانه‌ها و مراکز اصلی این شرکت در جنوب غرب آلمان یعنی منطقه اشتوتگارت-تسوفنهاوزن در شهر اشتوتگارت و شهر کوچک وایسباخ در ایالت بادن-وورتمبرگ، خواهد شد. برنامه تعدیل پورشه از سال ۲۰۲۴ آغاز شد، زمانی که ۱۵۰۰ قرارداد موقت به پایان رسید. پورشه تأیید کرده است که کارکنان به خروج داوطلبانه از طریق بازنشستگی زودهنگام و دریافت بسته‌های غرامت تشویق خواهند شد.



منهای نفت

ظروف سفالی

یکی از محصولات معروف کشور ما در سراسر جهان «ظروف سفالی» است. تا جایی که شهرستان لالچین استان همدان در سال ۱۳۹۵ به‌عنوان شهر جهانی سفال انتخاب شد. سهم ظروف سفالی در جهان حدود ۱/۶ میلیارد دلار است. بیشتر کشورهای اروپایی مانند آلمان و انگلیس و همچنین آمریکا از بزرگ‌ترین کشورهای واردکننده ظروف سفالی هستند. کشورهای خاورمیانه، مانند کشورهای همسایه نیز سهم ۱۸۵ میلیون دلار را از این بازار در اختیار دارند. روسیه نیز در سال ۲۲۰ میلیون دلار ظروف سفالی وارد می‌کند. با توجه به این حجم بزرگ از بازار به‌راحتی می‌توان ارزآوری برای کشور رقم زد.



افزوده

مالیات بر ارزش افزوده

«مالیات بر ارزش افزوده» نوعی از مالیات بر مصرف است که وقتی به کالا یا محصول اضافه می‌شود که ارزشی به مرحله‌ای از تولید یا فروش نهایی محصول اضافه می‌شود. مقدار مالیات بر ارزش افزوده‌ای که مصرف‌کننده نهایی پرداخت می‌کند، فقط مالیات مربوط به هزینه نهایی محصول است. برای نمونه، یک تلویزیون که در شرکتی ساخته می‌شود، تولیدکننده باید مقداری مالیات بر ارزش افزوده روی کل تجهیزات را که برای تولید تلویزیون خریداری شده است، پرداخت کند. به محض اینکه تلویزیون به بازار رسید، مصرف‌کننده‌ای که آن را خریداری می‌کند، باید آن مالیات بر ارزش افزوده را پرداخت کند.



اولین کاری که می‌کنید، نمازتان را تقویت کنید

گفتاری از استاد محمدعلی جاودان

فرمودند «الصلاة ميزان». این عبارت عین عبارت حدیث است. این ترازوست. همه چیز را در این وزن کن. اخلاقت را در این وزن کن. اعمالت را در این وزن کن. مثلاً من دارم تمام روز را به خلق خدمت می‌کنم. این خدمت است؟ در ترازوی نماز وزن کن. یا من خودم را بزرگ می‌کنم؟ من یکوقت در زمان جوانی



داشتم برای یک کتاب در اثبات وجود خدا طرح می‌ریختم. بعد فکر کردم این برای اثبات خودم است یا برای اثبات خدا؟ اینها در نماز دیده می‌شود. اگر حرف‌های بنده که الان در خدمت شما هستم روی حساب باشد، نماز از قبل مرتب‌تر می‌شود. هر یک سخنرانی اگر برای خدا باشد، بلافاصله خودش را در نماز نشان می‌دهد. تمام روز آدم خودش را در نماز نشان می‌دهد. اگر یک روز پاک باشد، در نماز دیده می‌شود. اگر ناپاک باشد، در نماز دیده می‌شود. اگر شلوغ باشد در نماز دیده می‌شود. فرمودند که «مگذار در گردن خود امانت و حق کسی را مگر آنکه ادا کنی»؛ این اولین کار است. در همین فاصله چند روزه (تا ماه رمضان) فکر کنید به کسی بدهکاری دارید؟ البته مقصود بدهکاری آینده نیست... هر حقی به گردنت داری، بپرداز.

مثلاً فرض کنید من یک زمانی دستی از شما پولی گرفته‌ام و بعد یادم رفته. چون مقدارش هم زیاد نبوده، آن طرف

هم نیامده بپرسد؛ اما خب آقا پنج هزار تومان یا پنج تا یک تومانی. مثلاً پنج تومان از شما گرفتم و دادم به یک فقیر و بعد هم ماند. الان حقی از مردم به گردن من است. در مورد این فکر کنیم که این گونه به کسی بدهکار نباشیم...
این خیلی مهم است. اینکه کینه هیچ‌کس در دل نباشد. از آن بهتر این است که اصلاً یادم رفته باشد. یادم رفته یک کسی، یک روزی به من چه گفت؟ هر وقت هم که او را می‌بینم، اصلاً یادم نمی‌آید که این یک روزی به من توهین کرده بوده و بد گفته بوده. چقدر خوب است. یادش رفته. اگر آدم گناه مردم را فراموش کند، خدای تعالی هم گناهان او را فراموش می‌کند.

در ادامه دو مرتبه حرف گناه را تکرار فرمودند. «مگذار گناهی را که می‌کری، مگر آنکه ترک کنی»؛ اگر من یک عاداتی دارم، باید یک کاری بکنم دیگر. اگر من به گناهی عادت دارم باید برایش یک کاری بکنم. حال گناه نگاه به نامحرم که دیگر خیلی رواج دارد. قدیم‌ها

مقابله با تهدیدهای نرم افزاری

سیدحسین خاتمی خوانساری



دبیر گروه معارف

آگاهی و شناخت کافی از اصول و مبانی دینی است. بسیاری از افراد به دلیل فقدان آموزش‌های صحیح دینی، ممکن است به تفسیرهای نادرست یا سطحی از دین و دستاوردهای دینی روی آورند. این موضوع به ویژه در جوامع مدرن که دسترسی به اطلاعات نادرست و مخرب به راحتی امکان‌پذیر است، نمود بیشتری پیدا می‌کند. افراد با جست‌وجوی اطلاعات در اینترنت و منابع غیر معتبر، به برداشت‌های نادرستی از دین می‌رسند که موجب تردید در اصول زندگی دینی آنها می‌شود. برای جلوگیری از این اتفاق لازم است برای ایجاد استحکام اعتقادات دینی و علمی تلاش شود و به نقش آموزش و تربیت در جلوگیری از انحراف فکر توجه کرد. آموزش صحیح مبانی دینی از دوران کودکی می‌تواند به تقویت ایمان و کاهش تردید کمک کند. همچنین، برگزاری جلسات آموزشی و فرهنگی برای بزرگسالان نیز در رفع شبهات و تقویت باورهای دینی کمک‌کننده است. ایجاد فضایی برای بحث آزاد درباره مسائل دینی و پاسخگویی به پرسش‌ها و شبهات نقش مهمی در تقویت ایمان افراد دارد.

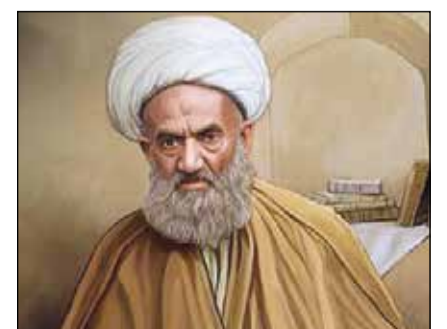
برخی افراد نیز با حضور در جامعه و ارتباط با دیگر افراد اعتقادشان سست شده و در مسائل گوناگون دچار تردید و شک می‌شوند. ناگفته نماند اتفاقات اجتماعی نیز در این موضوع اثرگذار است. عوامل اجتماعی نقش بسزایی در انحراف

فکرها دارند. فشارهای اجتماعی، نظرات دوستان و خانواده و حتی رسانه‌ها می‌توانند تأثیر زیادی بر باورها و اعتقادات فرد داشته باشند. در نیای امروز، با وجود شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جمعی، افراد بیشتر از هر زمان دیگری تحت تأثیر نظرات دیگران قرار دارند؛ زیرا بسیاری از اتفاقات آن‌طور که هستند، در معرض افکار و دید افراد قرار نمی‌گیرند و برداشت‌ها و قضاوت‌های بسیار زیادی در مورد آن‌ها به وجود می‌آید. این برداشت‌ها معمولاً برای کسانی که از استحکام فکری برخوردار نیستند، آسیب زیادی به همراه دارد. این تأثیرات می‌تواند به تردید در اصول دینی و اخلاقی منجر شود، زیرا افراد ممکن است برای پذیرش نظرات جدید، اصول خود را کنار بگذارند. از دیگر عوامل مؤثر در انحراف فکر، بحران‌های هویتی است. در دوران‌هایی که فرد با بحران‌های هویتی مواجه می‌شود، احتمال تردید در اصول اعتقادی او افزایش می‌یابد. این بحران‌ها ممکن است ناشی از تغییرات فرهنگی، اجتماعی یا حتی اقتصادی باشد. در چنین شرایطی، فرد ممکن است به دنبال پاسخ‌هایی برای پرسش‌های خود باشد و این جست‌وجو ممکن است او را به سمت برداشت‌های نادرست از دین سوق دهد. دشمنان همیشه دنبال این هستند که مردم را به بحران هویتی برسانند و از این بحران منافع خودشان را تأمین کنند. قرآن کریم به غفلت انسان‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَ قَالُوا فَلَوْلَا

امروز قدرتمندترین راه برای نابودی یک تمدن ایجاد نامیدی برای مردم آن تمدن و گرفتن هویت ملی و اخلاقی آنهاست که رسانه‌ها متولی این حمله هستند. روش رسانه برای این کار نیز دور کردن مردم از مطالعه، تعلیم و تفهیم اصولی است. فرقی نمی‌کند کجا باشد؟ کدام کشور و کدام تمدن؟ کدام خانواده و کدام انسان؟ برای شیطان‌ی هر انسانی یک دشمن بالقوه یا بالفعل است و بنایش این است که انسان‌ها را با بدترین حال لحظه مرگ بدرقه کند. برای شیطان مطلوب این است که مردم نخوانند، ندانند و نفهمند و در مقابل خدا می‌خواهد بندگانش در بالاترین مقامات علمی و اخلاقی قرار گیرند. امام کاظم (ع) می‌فرماید: «در فهم عمیق دین خدا بکوشید که فهم و فقه، کلید بینایی و کامل‌کننده عبادت و سبب رسیدن به جایگاه‌های بلند و پایگاه‌های بزرگ در دین و دنیا است. برتری فقیه [دین‌شناس] بر عابد، همچون برتری خورشید بر ستارگان است. هر کس در دین خود تفقه نکند، خدا از هیچ عمل او خرسند نمی‌شود.» (بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۲۴۷) یکی از مهم‌ترین عوامل انحراف فکر، نداشتن

دو شرط!

آیت‌الله شیخ حسنعلی اصفهانی؛ از اوایل تکلیف که مأمور به صوم ایام البیض و قرانت آیه «قل انما» شدم و در این سه روز سه هزار مرتبه بر این قلب قاسمی آیه «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا» قرانت می‌شد، تاکنون هوای ملاقات از سر حقیر بیرون نرفته، باید ترک دنیا‌داری کرد. تا آنجا که می‌توانید در امر نماز اول وقت و حضور قلب در نماز و تلاوت چند آیه از قرآن با تدبیر در معانی آن در سحرها مداومت کنید... عمده نظر در دو مطلب است؛ یکی غذای حلال، دوم توجه به نماز. اگر این دو درست باشد، باقی درست است.



جوشاندن غوره و انگور

پرسش: گفته می‌شود که اگر مقداری غوره برای گرفتن آب آن جوشانده شود و همراه آن یک یا چند حبه انگور باشد، آنچه بعد از جوشاندن باقی می‌ماند، حرام است. آیا این سخن صحیح است؟

پاسخ: اگر حبه‌های انگور بسیار کم باشد و آب آن در آب غوره مستهلک شود، به‌طوری که آب انگور بر آن صدق نکند، حلال است؛ ولی اگر حبه‌های انگور به‌تنهایی به وسیله آتش جوشانده شود، خوردن آن حرام است.

(اجوبه‌الاستفتات، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، سؤال ۳۰۳)



برای خدا شمشیر نزه!

«ابومسلم خراسانی» در ۲۵ شعبان سال ۱۳۷ هجری قمری به دستور «مصور دوانیقی» دومین خلیفه عباسی به قتل رسید. این پایان تلخ سرداری بود که امام جعفر صادق (ع) قیامش را تأیید نکردند؛ زیرا او برای رضای خدا شمشیر نزه بود. «عبدالرحمن بن مسلم» معروف به ابومسلم خراسانی به توصیه ابراهیم امام عباسی، به «عبدالرحمن» تغییر نام داد و با حکم وی رهسپار خراسان شد تا رهبری جنبش ضد اموی در این منطقه را بر عهده بگیرد. وی پس از پیروزی بر حاکم خراسان و تسخیر مرو، سپاهی را روانه عراق کرد و توانست در سال ۱۳۲ هجری قمری، مرو، آخرین خلیفه اموی را شکست دهد.



تکلیف ما در برابر عهدشکنی دشمنان!



حسن نوروزی

کارشناس علوم دینی

یکی از موضوعات بحث‌برانگیز این روزها مذاکره با دشمنان و برخورد با آنان در صورتی است که نقض پیمان کردند. از آنجایی نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه موازین دینی و قرآنی قدم برمی‌دارد، لازم است برای پاسخ به این پرسش ابتدا به آیات قرآنی رجوع کنیم. در این باره خداوند متعال در آیات ۵۸ و ۵۹ سوره مبارکه انفال به موضوع پیمان‌شکنی دشمنان اشاره می‌کند. «وَإِذَا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ وَلَا يُحْسِنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مَسْجُودًا إِلَيْهِمْ لَا يُعْجِزُونَ»؛ و اگر از خیانت و پیمان‌شکنی گروهی (که با آنان هم‌پیمانی) بیم داری، پس به آنان خبر ده که (پیمان) به صورتی مساوی گسسته است، زیرا خدا خائنان را دوست ندارد. (انفال ۵۸) و آنان که کافران گمان نکنند که با پیمان‌شکنی خود (بر قدرت حق) پیشی جسته‌اند، اینان نمی‌توانند (ما را) عاجز کنند (تا از دسترس قدرت ما بیرون روند). (انفال ۵۹). طبق این آیه خداوند به مسلمانان امر می‌کند که در صورت عهدشکنی دشمنان شما هم بر سر پیمان خود نمانید و پیمان‌تان را لغو کنید.

خداوند متعال در این آیه با نگاهی بالاتر به مسئله نگاه می‌کند و می‌گوید حتی اگر احتمال پیمان‌شکنی را در دشمنان مشاهده کردید، شما هم آنها را کنار بگذارید. واژه «علی سواء» در این آیه، به معنای مقابله به مثل است، یعنی همان‌گونه که آنان در فکر توطئه و پیمان‌شکنی‌اند، شما هم پیمان را لغو کنید. به عبارتی، به معنای رفتار عادلانه با دشمن است. اینجا عدالت یعنی همان قدر که پیمان شکستند، شما هم پیمان‌شکنی کنید. البته خدا تأکید می‌کند که پیش از لغو عهد به دشمن اطلاع دهید. این حکم خدا برای این است که هم دشمن غافلگیر نشود و شما هم ناخوانمردی نکرده‌اید، یک بار هم به آنها تذکر داده‌اید و راه را برای بازگشت آنها به پیمان‌نامه باز گذاشته‌اید. دشمن هم دیگر بهانه‌ای ندارد.

جالب اینجاست که خدا در این آیه از کلمه «فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ» استفاده می‌کند؛ یعنی انداختن. خدا می‌فرماید، اگر دشمن عهدش را نقض کرد، ابتدا به او تذکر و خبر بدهید و بعد نه تنها شما هم پیمان‌تان را نقض کنید، بلکه پیمان‌نامه را به طرف آنها پرت کنید. با نگاهی به این دو آیه و موضوعاتی که در آن مطرح شده است، درمی‌یابیم که در مسائل مهم نظامی و اجتماعی نباید منتظر وقوع خیانت باشیم، بلکه باید با احتمال خیانت هم فوراً اقدام کنیم و اینکه اسلام به قراردادهای و معاهدات خود پایبند است و تا زمانی که خوف خیانتی نیست، وفا لازم است.

در پایان، گفتنی است اولاً پیمان باید به گونه‌ای باشد که دشمن نتواند آن را نقض کند. ثانیاً باید به قدری هوشیار باشیم که اگر دشمن قصد خیانت داشت، فوراً مطلع شویم و پیمان را با او لغو کنیم. ثالثاً با این دو اقدام ابتکار عمل به دست دشمن نمی‌افتد و نمی‌تواند حتی گمان کند که از مسلمانان سبقت گرفته‌اند.



سکوهایی که همه جا تبلیغ می شوند!

نگاهی به اهمیت امنیت و نظارت در بازار دیجیتال طلا

پوریا یاسینی

کارشناس رسانه



در سال‌های اخیر، سرمایه‌گذاری در طلا به منزله یکی از مطمئن‌ترین روش‌های حفظ ارزش دارایی‌ها در برابر نوسانات اقتصادی و تورم، همواره مورد توجه بوده است. با پیشرفت فناوری و گسترش اینترنت، روش‌های سنتی خرید و فروش طلا دستخوش تغییرات اساسی شده‌اند. سکوهایی دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی با ارائه امکانات نوین، امکان سرمایه‌گذاری در طلا را حتی با مبالغ اندک فراهم کرده‌اند؛ به گونه‌ای که افراد می‌توانند با سرمایه‌ای در حد ۵۰ هزار تومان، در این بازار مشارکت کنند.

این پدیده نوظهور، فرصت‌های جدیدی را برای سرمایه‌گذاران خرد ایجاد کرده است. دسترسی آسان، حذف محدودیت‌های جغرافیایی و زمانی و امکان شروع سرمایه‌گذاری با مبالغ کم، از جمله مزایایی است که این سکوها به کاربران خود ارائه می‌دهند. برای نمونه، برخی سکوها امکان خرید و فروش طلای آب‌شده را حتی با یک میلی‌گرم طلا فراهم کرده و هزینه‌ای بابت اجرت، مالیات، نام‌نویسی، احراز هویت و نگهداری طلای آب‌شده دریافت نمی‌کنند. این ویژگی‌ها، جذابیت سرمایه‌گذاری در طلا را برای اقشار گوناگون جامعه افزایش داده است.

نقش تبلیغات در گسترش این سکوها انکارناپذیر است. استفاده از شبکه‌های اجتماعی، اینفلوئنسرها و تبلیغات گسترده در رسانه‌های گوناگون، آگاهی عمومی را نسبت به این روش سرمایه‌گذاری افزایش داده است. برخی از این سکوها ماهانه میلیاردها تومان برای تبلیغات خود هزینه می‌کنند که این امر نشان‌دهنده اهمیت بالای تبلیغات در جذب مشتریان است. با این حال، این حجم از تبلیغات نگرانی‌هایی را نیز به همراه داشته است؛ به گونه‌ای که مشخص نیست این هزینه‌ها تا کجا تأمین می‌شود و آیا این سکوها از پشتوانه مالی کافی برخوردارند یا خیر؟!

از سوی دیگر، نبود نظارت کافی و نبود بازار رگوله‌شده در حوزه سکوهایی برخط فروش طلا، چالش‌های جدی را به وجود آورده است. بسیاری از این شرکت‌ها هم‌زمان با فروش طلا به مردم، برای پلتفرم خود نیز خریداری می‌کنند؛ در حالی که در صندوق‌های طلا در بورس، نظارت‌هایی از سوی شرکت بورس وجود دارد که تعیین کرده معادل طلایی که در صندوق است، باید دارایی‌هایی به شکل‌های ارز و... وجود داشته باشد تا اگر یکی از این دارایی‌ها سقوط کرد، از سایر منابع موجود بتوان پول مردم را برگرداند. این نبود شفافیت و نظارت، زمینه‌ساز بروز تخلفات و کلاهبرداری‌های احتمالی در این حوزه شده است.

علاوه بر این، تبلیغات گسترده فروش برخط طلا در صدا و سیما نیز مورد انتقاد

قرار گرفته است. برخی معتقدند این تبلیغات باید در خدمت ایجاد اقتصاد مولد و پویا باشد، نه اینکه خود موجب جلوگیری از سرمایه‌گذاری مولد شده و در نظام اقتصادی کشور اختلال ایجاد کند. این نگرانی‌ها سبب شده است تا صدور مجوز جدید برای فروش طلای برخط متوقف شود و بحث‌های جدی درباره لزوم نظارت بیشتر بر این سکوها مطرح شود.

با توجه به این مسائل، ضرورت دارد نهاد‌های نظارتی و قانونی با دقت بیشتری بر فعالیت این سکوها نظارت کرده و با وضع مقررات مناسب، از حقوق سرمایه‌گذاران خرد حمایت کنند. همچنین، آگاهی‌بخشی به عموم مردم درباره ریسک‌ها و مزایای سرمایه‌گذاری در این سکوها، از بروز مشکلات احتمالی جلوگیری می‌کند.

رشد سکوهایی برخط خرید و فروش طلا

با گسترش فناوری و افزایش دسترسی به اینترنت، خرید و فروش برخط طلا در ایران رونق چشمگیری یافته است. بسیاری از افراد به دلیل سهولت دسترسی، شفافیت قیمت‌ها و حذف واسطه‌ها، به این روش خرید و سرمایه‌گذاری روی آورده‌اند. این سکوها با ارائه امکانات متنوع، از جمله امکان خرید با مبالغ کم و دسترسی ۲۴ ساعته، توانسته‌اند توجه گسترده‌ای را به خود جلب کنند.

با این حال، رشد سریع این سکوها بدون نظارت کافی، نگرانی‌هایی را درباره امنیت سرمایه‌گذاری و صحت معاملات به وجود آورده است. برخی از این سکوها ممکن است بدون پشتوانه کافی فعالیت کنند که این امر می‌تواند مشکلاتی را برای سرمایه‌گذاران به وجود آورد.

نقش تبلیغات در گسترش سکوهایی برخط طلا

تبلیغات گسترده و هدفمند، یکی از عوامل کلیدی در رشد سریع سکوهایی برخط فروش طلا بوده است. این سکوها با استفاده از تبلیغات در شبکه‌های اجتماعی، تلویزیون و سایر رسانه‌ها، توانسته‌اند آگاهی عمومی را نسبت به خدمات خود افزایش دهند. با این حال، حجم بالای تبلیغات و هزینه‌های مرتبط با آن، پرسش‌هایی را درباره منابع مالی این پلتفرم‌ها و پایداری مدل کسب‌وکار آنها مطرح کرده است.

برخی از کارشناسان معتقدند این حجم از تبلیغات می‌تواند نشانه‌ای از عدم تعادل مالی در این سکوها باشد. از این رو به سراغ بررسی ابعاد این موضوع رفته و در صفحات ویژه این شماره، به طور دقیق‌تر رشد این مدل خرید و فروش، نقش تبلیغات در گسترش این کسب‌وکارها، مسائل قانونی و نظارتی مرتبط با این نوع معاملات، و تأثیرات احتمالی آن بر بازار طلا را بررسی خواهیم کرد. همچنین، با «عباس محمدیان» مدیرکل تبلیغات وزارت ارشاد اسلامی، درباره سیاست‌های نظارتی، نقش تبلیغات در این حوزه و تأثیر آن بر مخاطبان گفت‌وگو خواهیم کرد.

فلز قدرت ساز!

نگاهی به تأثیر طلا در تاریخ جوامع بشری

یوسف علی بیگی

فعال رسانه



«طلا» این فلز گرانبها و درخشان، از دیرباز تا به امروز نقش مهمی در تاریخ بشر ایفا کرده است. از زمان‌های قدیم، طلا یک دارایی با ارزش شناخته می‌شد و در فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون به مثابه نمادی از ثروت و قدرت استفاده می‌شد. به‌ویژه در خاورمیانه و فلات ایران، این فلز با ویژگی‌های منحصر به فردش، جایگاه ویژه‌ای در هنر و صنایع دستی داشت.

اولین شواهد استفاده از طلا به حدود ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد در خاورمیانه بازمی‌گردد. در این دوران، مردم از طلا برای ساخت زیورآلات و اشیاء تزئینی استفاده می‌کردند. در ایران باستان، ساکنان فلات مرکزی حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد با استفاده از دانه‌ها و مهره‌های رنگی جواهرات می‌ساختند. این جواهرات نه تنها زیبایی و شکوه خاصی داشتند؛ بلکه نشان‌دهنده مهارت‌های هنری و فنی مردم آن دوران نیز بودند. در دوره‌های بعد، به‌ویژه در زمان مادها و هخامنشیان، استخراج طلا از معادن همدان رونق گرفت و هنر فلزکاری به اوج خود رسید.

در این دوران، طلا یکی از مهم‌ترین مواد برای ساخت اشیاء سلطنتی و دینی بود. سکه‌های طلا، جواهرات سلطنتی و تاج‌های سلطنتی در این دوران، نماد قدرت و شکوه پادشاهان بودند. طلا همواره نمادی از ثروت و قدرت در فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون بوده است. این فلز در ساخت تاج‌ها، جواهرات سلطنتی و اشیاء مذهبی به‌کار می‌رفت و جایگاه ویژه‌ای در مراسم و آیین‌های مذهبی داشت. در ایران باستان، شاهان ساسانی سکه‌های طلا ضرب می‌کردند که نشان‌دهنده اهمیت اقتصادی و فرهنگی طلا در آن دوران بود. این سکه‌ها نه تنها وسیله‌ای برای مبادلات تجاری بودند، بلکه نشانه‌ای از قدرت و اقتدار پادشاهان ساسانی در دنیای آن زمان بودند. همچنین در تمدن‌های دیگر، مانند مصر باستان، یونان و روم، طلا به منزله نماد مذهبی و دینی نیز استفاده می‌شد. در مصر باستان، مقابر فرعون‌ها و مقامات بلندپایه با اشیاء طلایی تزئین می‌شد تا به منزله نمادی از جاودانگی و قدرت در

دنیای پس از مرگ به کار رود. در یونان و روم، سکه‌های طلا نقش مهمی در اقتصاد و تجارت ایفا می‌کردند و معیار ارزش در مبادلات تجاری جهانی به‌شمار می‌آمدند.

در طول تاریخ، بازار جهانی طلا تحت تأثیر تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته است. در قرون وسطی، طلا به منزله واحد پولی ارزشمند در تجارت بین‌المللی استفاده می‌شد. با افزایش تجارت جهانی و گسترش شبکه‌های تجاری، طلا به یکی از ارکان اصلی مبادلات تجاری تبدیل شد. در این دوران، بسیاری از کشورهای اروپایی برای تأمین نیازهای تجاری و اقتصادی خود به معادن طلا در سراسر دنیا دست یافتند و به دنبال استخراج طلا در مناطق گوناگون دنیا بودند.

در قرن‌های اخیر، اکتشافات معدنی در مناطق گوناگون جهان، به‌ویژه در آمریکا و آفریقا، عرضه طلا را افزایش داد و کشف معادن غنی طلا در کالیفرنیا و دیگر مناطق آمریکا در قرن نوزدهم باعث رونق چشمگیر استخراج طلا شد. این افزایش عرضه طلا تأثیر بسزایی بر اقتصاد جهانی گذاشت و موجب تحولات عمده در بازارهای مالی و تجاری شد. در این دوران، طلا همچنان به مثابه یک ابزار مالی معتبر در مبادلات اقتصادی و تجاری استفاده می‌شد.

در قرن بیستم و با وقوع جنگ‌های جهانی و بحران‌های اقتصادی، طلا به مثابه دارایی امن در برابر نوسانات اقتصادی و سیاسی شناخته شد. بسیاری از کشورها برای حفظ ارزش پول ملی خود، ذخایر طلای خود را افزایش دادند. در این دوران، طلا به منزله پشتوانه‌ای برای پول‌های کاغذی و واحدهای پولی دیگر استفاده می‌شد و استاندارد طلا در شبکه‌های مالی بین‌المللی به کار گرفته شد.

امروزه، طلا همچنان یک دارایی امن در برابر نوسانات بازار و تورم است و سرمایه‌گذاران به آن توجه دارند. قیمت طلا تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که از جمله آنها می‌توان به نرخ بهره، تورم، ارزش دلار آمریکا، تنش‌های ژئوپلیتیکی و تقاضای صنعتی اشاره کرد. این عوامل به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر بازار طلا تأثیرگذار هستند و موجب نوسانات قیمت آن می‌شوند.

برای نمونه، در سال‌های اخیر، سیاست‌های

تجاری و تعرفه‌های ایالات متحده و تنش‌های بین‌المللی، منجر به افزایش تقاضا برای طلا و سرمایه‌گذاری شده است. در مواقعی که عدم اطمینان‌های اقتصادی یا سیاسی بالا می‌رود، سرمایه‌گذاران به سمت طلا به منزله یک دارایی امن پناه می‌برند. در دوران بحران‌های اقتصادی، مانند بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸، قیمت طلا به‌شدت افزایش یافت؛ زیرا بسیاری از سرمایه‌گذاران به دنبال حفظ سرمایه‌های خود بودند.

در حال حاضر، بازار جهانی طلا با نوسانات قابل توجهی مواجه است. در فوریه ۲۰۲۵، قیمت هر اونس طلا به حدود ۲۹۴۱ دلار رسید که نزدیک به رکورد تاریخی آن است. این افزایش قیمت ناشی از عدم اطمینان‌های اقتصادی، سیاست‌های تعرفه‌ای و تنش‌های ژئوپلیتیکی است. با این حال، برخی تحلیلگران معتقدند، احتمال کاهش تقاضا برای طلای فیزیکی به دلیل قیمت‌های بالا وجود دارد که می‌تواند بر روند صعودی قیمت تأثیرگذار باشد.

پیش‌بینی آینده بازار طلا همواره با عدم قطعیت‌هایی همراه است. برخی از تحلیلگران «وال استریت» پیش‌بینی می‌کنند قیمت طلا در سال‌های آینده به رکورد‌های جدیدی دست یابد. برای نمونه، تحلیلگران «گلدمن ساکس» پیش‌بینی کرده‌اند که قیمت طلا تا پایان سال ۲۰۲۵ به ۳۱۰۰ دلار در هر اونس برسد و در صورت ادامه سیاست‌های نامطمئن، این رقم می‌تواند تا ۳۳۰۰ دلار افزایش یابد. از سوی دیگر، «مورگان استلی» با دیدگاه محتاطانه‌تری، قیمت ۲۷۰۰ دلار را برای سه‌ماهه چهارم سال ۲۰۲۵ پیش‌بینی کرده است.

در مجموع، طلا همچنان به منزله یک دارایی با ارزش و پناهگاهی امن در برابر نوسانات اقتصادی و سیاسی شناخته می‌شود. با توجه به تحولات جهانی و عدم اطمینان‌های موجود، انتظار می‌رود تقاضا برای طلا در آینده نزدیک همچنان بالا باقی بماند و قیمت آن تحت تأثیر عوامل گوناگون، نوساناتی را تجربه کند. هر چند پیش‌بینی‌هایی برای آینده قیمت طلا وجود دارد، اما به‌طور کلی، طلا به منزله یکی از اصلی‌ترین ابزارهای سرمایه‌گذاری و محافظت از دارایی‌ها در برابر نوسانات اقتصادی و سیاسی همچنان جایگاه ویژه‌ای در بازارهای جهانی دارد.

پشت پرده زندگی شاخ‌های مجازی



مهدی امیدوی خبرنگار فرهنگی

سریال «فریبا» که این روزها از شبکه سه تلویزیون پخش می‌شود، به مسئله فضای مجازی، اینفلوئنسرها و چالش‌های ناشی از شهرت و زندگی در دنیای مجازی و شبکه‌های اجتماعی توجه داشته است. این سریال که داستان زندگی فریبا، یک اینفلوئنسر موفق را روایت می‌کند، توانسته به خوبی مشکلات و دغدغه‌های یک فرد مشهور در این فضا را بررسی کند و برخی از معضلات این پرزرق و برق و پیچیده را به تصویر بکشد.

موضوع روز و جذاب

یکی از بزرگ‌ترین نقاشی‌ها فریبا، انتخاب موضوعی است که در دنیای امروز بسیار پررنگ و حیاتی است. فضای مجازی و اینفلوئنسرها به بخش بزرگی از زندگی روزمره تبدیل شده‌اند و سریال «فریبا» توانسته این مقوله را به شکلی جذاب و قابل فهم برای مخاطب تلویزیونی به نمایش بگذارد. به طور خاص، چالش‌های فردی و اجتماعی که یک اینفلوئنسر با آن روبرو است، به خوبی در قالب یک داستان درام نمایش داده شده است. داستان سریال با پرداختن به زندگی فریبا و تعادل

میان زندگی شخصی و حرفه‌ای او، به گونه‌ای پیش می‌رود که مخاطب به راحتی می‌تواند با شخصیت‌ها و مشکلاتشان همذات‌پنداری کند. این سریال به خوبی توانسته خط داستانی خود را به شکلی جذاب و روان پیش ببرد و هر قسمت با اتفاقات جدید، مخاطب را به دنبال خود بکشد. بازی‌های خوب و قابل باور از بازیگران اصلی، همچون ساناز سعیدی در نقش فریبا، فرزاد حسنی در نقش همسر سابق فریبا و دیگر بازیگران از نقاط قوت این سریال است. شخصیت‌ها به خوبی ساخته شده‌اند و تعاملات میان آنها به ویژه در بستر فضای مجازی و زندگی واقعی، به خوبی به نمایش درآمده است. این امر سبب می‌شود که مخاطب احساس کند با دنیای واقعی در تعامل است.

یک نقد اجتماعی

فریبا موفق شده است فضای مجازی و تأثیرات منفی آن در زندگی افراد را نقد کند بدون اینکه به شکل واضح و مستقیم این فضا را ترویج کند. این سریال به وضوح نشان می‌دهد که چگونه اینفلوئنسرها ممکن است برای رسیدن به موفقیت و درآمد بیشتر، به هر ترفندی دست بزنند و در این راه گاهی از اخلاقیات فاصله بگیرند. در عین حال، شخصیت فریبا نیز که سعی در پیدا کردن تعادل دارد، تصویر انسانی و قابل درک را به نمایش می‌گذارد.



کارگردانی «محمود معظمی» در این سریال قابل قبول است. فضای سریال به خوبی ایجاد شده و فضاهای مجازی و واقعی به شکلی مؤثر و جذاب به هم پیوند خورده‌اند. حتی با وجود محدودیت‌های تلویزیون، معظمی توانسته است به شکلی مناسب این فضاها را به تصویر بکشد.

نقاط ضعف

سریال «فریبا» در قسمت‌های ابتدایی خود با ریتمی تند و جذاب آغاز می‌شود، اما در ادامه این روند کاهش می‌یابد و داستان به کنسلی می‌گراید. این کنسلی در قسمت‌های میانی ممکن است برخی از مخاطبان را از ادامه تماشای سریال دلسرد کند. شاید اگر قصه با دقت بیشتری در جزئیات و با حفظ تندی در پیشبرد داستان ادامه می‌یافت، بهتر می‌توانست به جذب مخاطب کمک کند.

یکی از انتقادهایی که به فریبا وارد است، نحوه نمایش برخی از شخصیت‌ها و فضای مجازی است. تلویزیون معمولاً به دلیل محدودیت‌های فرهنگی و پوششی، نمی‌تواند تصویری بی‌پرده از واقعیت‌های زندگی اینفلوئنسرها به نمایش بگذارد. این موضوع سبب می‌شود که برخی از جزئیات در سریال به شکل سطحی و روتوش شده به نمایش درآید که شاید برای مخاطب آگاه به فضای مجازی، این اختلافات قابل توجه باشد.

در حالی که شخصیت فریبا به خوبی پرداخته شده است، برخی دیگر از شخصیت‌ها، مانند ترنم هنوز به صورت کامل در قالب‌های تعریف شده قرار نگرفته‌اند و گاهی در برخورد با موقعیت‌ها واکنش‌های مبهم و گیج‌کننده‌ای نشان می‌دهند. شاید با گذشت زمان این شخصیت‌ها بهتر شناخته شوند، اما در حال حاضر احساس می‌شود که کاراکترهای جانبی به درستی توسعه نیافته‌اند.

یکی دیگر از ضعف‌های فریبا این است که به برخی جنبه‌های زندگی شخصی شخصیت‌ها، به ویژه در تعاملات خانوادگی، پرداخته نمی‌شود. برای نمونه، مشکلات خانوادگی و روابط پیچیده‌تر فریبا با همسر سابقش می‌تواند ابعاد بیشتری به داستان بدهد، اما در حال حاضر این جنبه‌ها به شکلی سطحی به تصویر کشیده شده‌اند.

در نهایت اینکه سریال فریبا با توجه به موضوع اجتماعی و معاصر خود، توانسته است به خوبی توجه مخاطبان را جلب کند. داستان جذاب، بازی‌های خوب و نقد هوشمندانه فضای مجازی از نکات برجسته این اثر هستند. البته با وجود برخی مشکلات در ریتم و شخصیت‌پردازی، سریال می‌تواند در ادامه داستان به یک اثر اجتماعی موفق تبدیل شود. این سریال نشان می‌دهد، تلویزیون می‌تواند مسائل جدید و چالش‌برانگیز دنیای امروز را به نمایش بگذارد و از این منظر، گامی رو به جلو برای صنعت تلویزیون ایران به شمار می‌آید.

برداشت

چوب حراج بر میراث فرهنگی؛ چرا؟

سعید رضایی

کارشناس فرهنگی

برگزاری حراج تهران در بیست و دومین دوره‌اش با حواشی قابل توجهی همراه بود که توجه بسیاری را به خود جلب کرد. در این دوره از حراج، برخی آثار هنری - تاریخی با قدمت بیش از ۱۰۰ سال به فروش رسیدند که این اقدام به طور جدی با واکنش‌های گوناگون مواجه شد. آثار تاریخی متعلق به دوران صفویه و قاجاریه، نظیر تابلوی نگارگری منسوب به «رضا عباسی» و کاسه لاله مربوط به قرن ۱۱ هجری قمری، به حراج گذاشته شدند و حتی اثر مثنوی معنوی از دوران تیموری نیز در این حراجی عرضه شد. نکته مهم این است که طبق قانون حفاظت از آثار ملی و فرهنگی

مصوب ۱۳۰۹، فروش و خروج هر گونه آثار تاریخی با قدمت بیش از ۱۰۰ سال بدون مجوز از معاونت میراث فرهنگی ممنوع و غیرقانونی است. پیش از برگزاری حراج، وزارت میراث فرهنگی از مسئولان حراج تهران خواسته بود که آثار تاریخی با قدمت بیش از ۱۰۰ سال به فروش نرسند؛ اما با وجود این درخواست، برخی از این آثار به فروش رسیدند. مسئولان حراج تهران در پاسخ به این اعتراضات اعلام کردند که در تاریخ ۶ بهمن ماه مجوز فروش تمامی آثار را از اداره کل موزه‌های وزارت میراث فرهنگی دریافت کرده‌اند؛ اما «فاطمه داوری» سخنگوی وزارت میراث فرهنگی، به طور رسمی اعلام کرد که بر اساس بررسی‌ها، هیچ‌گونه مجوزی برای فروش این آثار صادر نشده است. او تأکید کرد، با

وجود اخذ مجوزهای اولیه، فرآیند صدور مجوز نهایی برای فروش آثار هنوز کامل نشده و مسئولان حراج تهران موفق به اخذ مجوز نهایی نشده‌اند. این موضوع به طور جدی مطرح می‌کند که در چنین وضعیتی، نظارت و بررسی دقیق‌تر بر روی حراج‌های این چنینی ضروری است. فروش آثار تاریخی بدون مجوز قانونی می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری برای میراث فرهنگی کشور داشته باشد. آثار هنری و تاریخی هر کشور، نشان‌دهنده هویت، فرهنگ و تاریخ آن سرزمین هستند و بی‌توجهی به این اصول می‌تواند به تخریب یا از دست رفتن این میراث باارزش منجر شود. این اتفاقات نشان می‌دهد، نظارت دقیق روی حراج‌های هنری و آثار تاریخی، نه تنها به حفاظت از این آثار کمک می‌کند، بلکه موجب شفافیت و اعتماد عمومی نیز بهبود یابد.

جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی می‌شود. در این زمینه، همکاری میان نهادهای دولتی، به ویژه وزارت میراث فرهنگی و مسئولان برگزاری حراج‌ها ضروری است. چنین رویکردی می‌تواند از فروش غیرقانونی آثار تاریخی جلوگیری کرده و اطمینان حاصل کند که هر اقدام در راستای حفظ و نگهداری میراث فرهنگی صورت می‌گیرد. در نهایت، مسئولان باید با اتخاذ تدابیر قانونی و نظارتی دقیق‌تر، اطمینان حاصل کنند که فروش آثار تاریخی فقط تحت شرایط قانونی و با رعایت قوانین حفاظت از میراث فرهنگی صورت گیرد تا از این طریق، نه تنها ارزش‌های فرهنگی و تاریخی کشور حفاظت شود، بلکه شفافیت و اعتماد عمومی نیز بهبود یابد.

بازی

وعده صادق

برای کشورهای عربی آماده می‌شود



«سرهنگ احسان راستی» رئیس سازمان توسعه فرهنگ دفاع مقدس گفت: «در راستای فرمایشات رهبر معظم انقلاب پس از عملیات وعده صادق ۱ تلاش کردیم تا این عملیات در تاریخ ماندگار شود و افتخارات آن به نوجوانان منتقل گردد. بر همین اساس، بازی‌ای با نام «وعده صادق» طراحی شد که نسخه آزمایشی آن اکنون روی پایگاه اینترنتی گنجینه آثار بارگذاری شده است.» وی در پایان گفت: «در گام اول برای رساندن پیام خود به مخاطبان برون‌مرزی، رایزنی‌هایی با برخی دانشجویان خارجی مقیم ایران انجام داده‌ام تا نسخه عربی بازی وعده صادق تولید شود. اولویت ما ترجمه و ارائه بازی در کشورهای جبهه مقاومت است.»

سینما

پیشمرگ در سینما

منتخب مردم در اکران نوروز



فیلم سینمایی «پیشمرگ» که در چهار و سومین جشنواره فیلم فجر مورد استقبال تماشاگران قرار گرفت و به عنوان فیلم برگزیده تماشاگران نیز انتخاب شد، از هفته آینده راهی اکران نوروزی خواهد شد. این فیلم را «علی غفاری» کارگردانی کرده و «آرش زینال خیری» نیز تهیه‌کنندگی آن را برعهده داشته است. فیلم سینمایی «پیشمرگ» با روایتی قهرمان‌محور، به زندگی و زمانه «شهید سعید قهاری» توجه داشته است. پیشمرگ محصول بنیاد فرهنگی روایت فتح و تهیه‌شده در انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس است که پیش از آن موسسه بهمن سبز بر عهده دارد.

کتاب

سفیر نور

کتابی درباره رهبر شیعیان پاکستان



کتاب «سفیر نور» که زندگینامه شهید «عارف الحسینی» رهبر شیعیان پاکستان است، با تلاش «حجت‌الاسلام یوسف ظفر حیاتی» تهیه و در انتشارات «سوره مهر» حوزه هنری منتشر شده است که طی مراسمی رونمایی شد. در این مراسم «حجت‌الاسلام محمد قمی» رئیس سازمان تبلیغات اسلامی گفت: «ملت پاکستان باید تفکر و شخصیت این شهید را زنده نگه دارد. به عنوان یک طلبه و مرید این شخصیت بزرگ و در آستانه تشییع سیدحسین نصرالله می‌گویم، کوتاهی‌های مان را برای افرادی مانند سیدعارف الحسینی جبران می‌کنیم و لازم و ضروری است که این کتاب به زبان‌های مختلف برای جهان اسلام ترجمه و منتشر شود.»

یادداشت

جایگاه مغفول حقوق مخاطب در سینما

آرش فهیم

کارشناس فرهنگی



حقوق معنوی مخاطب در سینما، موضوعی است که در کشورهای غربی توجه ویژه‌ای به آن شده و درباره آن قوانین بسیاری وضع شده است؛ اما در ایران هنوز این مسئله آن‌طور که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته است. در واقع، سینما به منزله یک هنر، صنعت و رسانه، مانند هر فرآیند رسانه‌ای دیگر، به‌طور خاص به ارتباط بین فرستنده و گیرنده پیام توجه دارد. در این فرآیند، مخاطب به منزله یک ضلع از این ارتباط، نقشی اساسی ایفا می‌کند. در نتیجه، همان‌طور که تولیدکنندگان آثار سینمایی حقوق دارند، مخاطبان نیز باید از حقوق خود در این زمینه برخوردار شوند. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حقوق معنوی مخاطب در سینما، رعایت شرایط سنی است. در غرب، به ویژه در کشورهای توسعه‌یافته، به این موضوع توجه خاصی می‌شود. برای نمونه، در این کشورها، اگر فیلمی محتوای خشونت‌آمیز یا ترسناک داشته باشد، با توجه به محتوا، محدودیت داشته باشد، اما برای تماشای آن اعمال می‌شود. به‌طور معمول، هیچ‌کس این رفتار را با عنوان محدودیت یا منع نمی‌بیند، بلکه این اقدام را به منزله یک اقدام محافظتی و تضمین‌کننده حقوق معنوی کودکان و نوجوانان می‌پذیرد. برای نمونه، اجازه نمی‌دهند کودکان به سینما بروند و فیلم‌هایی بسا محتوای پر از خشونت و خونریزی را تماشا کنند. در واقع، اینگونه محدودیت‌ها به مثابه یک حق برای حفظ سلامت روانی و جسمانی مخاطب شناخته می‌شود.

اما در ایران، وضعیت متفاوت است. متأسفانه در کشور ما، حقوق معنوی مخاطب در سینما چندان مورد توجه قرار نگرفته است. برای نمونه، قوانین موجود به‌طور عمده در حمایت از تولیدکنندگان آثار سینمایی است و توجه کمتری به حقوق مخاطبان دارد. این در حالی است که اگر قانون با حمایت از حقوق مخاطب مواجه شود، ممکن است بسیاری از افراد به جای حمایت از این حقوق، بر آن اعتراض کنند. به عبارت دیگر، در جامعه ما، گاهی حتی خود مخاطب هم حقوق خود را نمی‌شناسد و به‌طور ناخودآگاه ممکن است در معرض محتوای نامناسب قرار بگیرد. یک نمونه بارز این موضوع، برجسب‌گذاری محدودیت سنی روی فیلم‌هاست. به‌طور معمول، در ایران، اگر فیلمی برجسب نمایش برای سنین خاصی داشته باشد، مخاطب با اشتیاق بیشتری برای تماشای آن فیلم به دنبال راهی برای دیدن آن می‌گردد. این رفتار ناشی از نبود فرهنگ‌سازی صحیح درباره حقوق معنوی مخاطب است. باید اذعان کرد که در ایران، همچنان مسئله حقوق معنوی مخاطب در سینما به‌طور کامل تثبیت نشده است و حتی خود مخاطبان هم ممکن است به این باور نرسند که نباید هر محتوای سینمایی را بدون توجه به سلامت روحی و روانی خود پذیرا شوند.

بنابراین، لازم است هم در سطح قوانین و هم در سطح فرهنگ‌سازی، توجه بیشتری به حقوق معنوی مخاطب در سینما شود. باید توجه داشت که سینما تنها یک هنر یا صنعت نیست، بلکه یک رسانه با تأثیرات گسترده بر ذهن و روان مخاطب است و در این میان، حفظ حقوق معنوی مخاطب باید در اولویت قرار گیرد.

بنابراین، لازم است هم در سطح قوانین و هم در سطح فرهنگ‌سازی، توجه بیشتری به حقوق معنوی مخاطب در سینما شود. باید توجه داشت که سینما تنها یک هنر یا صنعت نیست، بلکه یک رسانه با تأثیرات گسترده بر ذهن و روان مخاطب است و در این میان، حفظ حقوق معنوی مخاطب باید در اولویت قرار گیرد.

بنابراین، لازم است هم در سطح قوانین و هم در سطح فرهنگ‌سازی، توجه بیشتری به حقوق معنوی مخاطب در سینما شود. باید توجه داشت که سینما تنها یک هنر یا صنعت نیست، بلکه یک رسانه با تأثیرات گسترده بر ذهن و روان مخاطب است و در این میان، حفظ حقوق معنوی مخاطب باید در اولویت قرار گیرد.

